

به نام خدا

جزوه جمع بندی کنکور زبان انگلیسی

کتابهای دهم، یازدهم، دوازدهم

گرامر، لغت، کلوز، متن

درس اول زبان انگلیسی پایه دهم

زمان آینده ساده

۱. زمان آینده ساده  
الف: ساختار

(قید + مفعول) ادامه جمله + شکل ساده فعل + will + فاعل

I will win the match tomorrow.  
You will win the match tomorrow.  
We will win the match tomorrow.  
They will win the match tomorrow.  
He will win the match tomorrow.  
She will win the match tomorrow.

من فردا مسابقه را خواهم برد.  
شما فردا مسابقه را خواهی برد.  
ما فردا مسابقه را خواهیم برد.  
آنها فردا مسابقه را خواهند برد.  
او فردا مسابقه را خواهد برد.  
او فردا مسابقه را خواهد برد.

ساختار مخفف و کوتاه شده will به صورت 'll می باشد.  
مثال

I'll answer the phone.

من تلفن را پاسخ خواهم داد.

برای منفی کردن will کافی هست بهش not رو اضافه کنیم که میشود will not یا won't  
They won't win the match tomorrow.  
آنها فردا بازی را نخواهند برد.

برای سوالی کردن این ساختار کافی است جای will را با کلمه یا کلمات قبل از خود که فاعل می باشد عوض کنیم.

Will you open the door?  
Yes, I will.  
No, I won't.

کاربرد ها :

۱. کار یا عملی که حتما در زمان آینده اتفاق خواهد افتاد.

The president will travel to Shiraz next week.  
My daughter will be four years old next month.

رییس جمهور هفته آینده به شیراز سفر خواهد کرد.  
دختر من ماه آینده چهار ساله خواهد شد.

۲. پیش بینی آینده براساس نظر شخصی و بدون هیچ گونه شواهدی.

I think it will rain tomorrow.  
Do you think they will win the match on Monday?

من فکر میکنم فردا باران خواهد آمد.  
آیا فکر میکنی آنها مسابقه روز دوشنبه را خواهند برد؟

۳. بیان کارهای که میتنی بر تصمیمات لحظه ای یعنی بدون برنامه ریزی قبلی باشد.

Do you phone Mary? Oh no, I forgot. I will call her now. آیا به مری زنگ زدی؟ نه فراموش کردم. الان زنگ میزنم.  
A: "I'm cold." B: "I'll close the window." من سردم هست. در را خواهم بست.

۴. برای بیان امیدواری، اطمینان، انتظار، حدس و گمان و شک و تردید نسبت به وقوع عملی در آینده؛ که در این صورت معمولاً بعد از افعالی مانند اینها می آید.

Hope , expect , surely , انتظار داشتن , باور داشتن think , perhaps , یقیناً , certainly , احتمالاً , probably , امیدوار بودن  
I hope my French will improve when I go to France. امیدوارم فرانسوی من بهتر شود وقتی به فرانسه رفتم.  
I think these changes will have a lot of effects on the educational system.  
من فکر میکنم این تغییرات تاثیرات زیادی روی سیستم آموزشی خواهند داشت.

تکته: با قید های احتمال و فعل های منکور ، اگر شواهد عینی و ملموس وجود داشته باشد از **be going to** استفاده می کنیم.  
I have eaten too much, and I feel very bad. I think I'm going to be sick.  
من خیلی غذا خورده ام و خیلی حس بدی دارم. فکر کنم میخام مریض شم.

۵. برای بیان پیشنهاد.  
I will drive you to work if you want. اگر بخواهی تو را تا محل کار خواهم رساند.

۶. برای بیان قول دادن.  
I will do my homework next session. تکالیفم را جلسه بعد انجام خواهم داد.

۷. برای بیان تهدید.  
I will give you negative mark if you don't do your homework.  
اگر تکالیفت را انجام ندهی نمره منفی بهت خواهم داد.

۸. درخواست کردن از کسی برای انجام کاری به شکل سوالی.  
Will you bring me a cup of coffee, please? میشه لطفاً یه فنجان قهوه برام بیاری؟

تکته کنکور: بعد از کلمات when /before/ after/as soon as زمان حال ساده به جای زمان آینده بکار می رود.  
Before we leave tomorrow, we will turn off the lights. فردا قبل از حرکت، چراغ ها را خاموش می کنیم.  
When I get home tonight, I'm going to watch TV and rest..امشب که رسیدم خانه، میرم تلویزیون ببینم و استراحت کنم.

برای بیان آینده ای که از قبل برنامه ریزی شده است از ساختار **be going to** استفاده میکنیم.

(قید + مفعول) ادامه جمله + شکل ساده فعل + **be going to** + فاعل

مثلا اگر تولد دوستان هفته آینده باشد و ما از الان برنامه داریم برای او کادو بخریم میتوانیم از این ساختار به شرح زیر برای فاعل های مختلف استفاده کنیم.

نکته: **be** برای فاعل های مختلف به صورت **am/is/are** صرف میشود.

I am going to buy a gift tomorrow.

من قصد دارم فردا کادو بخرم.

You are going to buy a gift tomorrow.

شما قصد دارید فردا کادو بخرید.

We are going to buy a gift tomorrow.

ما قصد داریم فردا کادو بخریم.

They are going to buy a gift tomorrow.

آنها قصد دارند فردا کادو بخرند.

He is going to buy a gift tomorrow.

او قصد دارد فردا کادو بخرد.

She is going to buy a gift tomorrow.

او قصد دارد فردا کادو بخرد.

#### کاربرد ها:

۱. بیان کارهای که تصمیم به انجام آنها از قبل گرفته شده. به عبارت دیگر برای بیان کارهایی در آینده که از قبل برنامه ریزی شده اند.

We are going to buy a gift for our father's birthday.

ما قصد داریم واسه ی تولد پدرمان کادو بخریم.

I have bought some paint. I am going to paint my bedroom tomorrow.

من مقداری رنگ خریده است. من قصد دارد اتاق خوابم رو رنگ کنم.

۲. برای بیان عملی که شواهد و قرائن موجود حاکی از وقوع آن در آینده باشد. به عبارت دیگر پیش بینی آینده بر اساس شواهد موجود.

Look at those dark clouds. It's going to rain.

به آن ابرهای سیاه نگاه کن. باران خواهد آمد.

We are going to be late. There is too much traffic.

ما دیر خواهیم کرد. ترافیک خیلی سنگینی وجود دارد.

#### ساختار منفی **be going to**

I am not going to buy a gift. (I'm not going to buy a gift.)

قصد ندارم کادو بخرم.

They are not going to play football. (They're not going to play football. / They aren't going to play football.)

آنها قصد ندارند فوتبال بازی کنند.

#### ساختار سوالی **be going to**

Is he going to invite you?

آیا او قصد داره شما رو دعوت کنه؟

Are you going to play football?

آیا قصد داری فوتبال بازی کنی؟

### مهمترین لغات درس یک زبان دهم

Variation: تنوع، گوناگونی	verily: به راستی	living thing: موجود زنده	naturally: به طور طبیعی
Put out: خاموش کردن	injured: صدمه دیده	divide: تقسیم کردن	endangered: در معرض خطر
Protect: محافظت کردن	wildlife: حیات وحش	alive: زنده	take care of: مراقبت کردن از
Expressions: اصطلاحات، حالات	destroy: تخریب کردن	die out: منقرض شدن	pay attention to: توجه کردن
Hopefully: خوشبختانه	instead: به جای	recently: اخیرا	comprehend: درک کردن
Comprehension: درک	interested in: علاقه مند به	affirmative: مثبت	affirm: تایید کردن
Especially: مخصوصا	schedule: برنامه	pattern: الگو	intonation: لحن کلام
Go on a school trip: سفر مدرسه	inform: اطلاع دادن	however: اگرچه	
Regularly: به طور منظم	appropriate: مناسب	common: رایج	properly: به طور مناسب
Based on: بر اساس	fill in: پر کردن	harmful: مضر	safe, safely: ایمن
Identify: شناسایی کردن	identity: هویت		

### سوالات تستی گرامر درس یک زبان دهم

- A: Have you got the tickets yet?  
B: NO, I ..... them this afternoon, actually. Would you like to come?  
1) get                      2) got                      3) am going to get                      4) will get
- I hope you ..... notice of what I ..... you.  
1) will take - am going to tell                      2) took - will tell  
3) are going to take - will tell                      4) are taking - am going to tell
- A: Why are you in a hurry?  
B: Because I ..... my father at the station at six.  
1) meet                      2) am going to meet                      3) will meet                      4) met
- Guest: I think I ..... my luggage in the lobby.  
Receptionist: Please wait here. I ..... someone to carry it to your room.  
1) forget - will ask                      2) forgot - will ask  
3) forget - am going to ask                      4) forgot - am going to ask
- I'd better sleep. I ..... early in the morning.  
1) am going to get up                      2) will get up                      3) have got up                      4) am getting up
- There are no clouds in the sky. It ..... today.  
1) doesn't rain                      2) didn't rain                      3) is not going to rain                      4) is not raining

7. A: What is the matter with you?

B: I feel terrible. I think I ..... sick.

1) got 2) getting 3) will get 4) am going to get

8. Our team ..... It is 4:00 and two minutes left. I am sure we ..... the match.

1) win - win 2) is going to win - will win

3) wins - is going to win 4) will win - is going to win

9. I looked at the blank piece of paper. I had no idea how I ..... the question.

1) answered 2) will answer 3) am going to answer 4) was going to answer

10. A: The windows are dirty. B: Yes, I know. I ..... them later.

1) am going to clean 2) was cleaning 3) have cleaned 4) clean

## درس دوم زبان دهم

### صفت

صفت کلمه ایست که یکی از خصوصیات اسم را بیان می کند. صفت ها می توانند اسم ها یا ضمیرها را توصیف می کنند.  
صفات اسم ها را توصیف می کنند در حالیکه قیده فعل را توصیف می کنند.

### مثال:

Ali is a **hard-working** student.

It is a **beautiful** flower.

He lives in a **wooden** house.

علی یک دانش آموز کوشا هست.

آن یک گل زیباست.

او در یک خانه ی چوبی زندگی میکند.

### محل قرارگیری صفات در جمله

به طور کلی صفت ها دو جایگاه در زبان انگلیسی دارند. قبل از اسم ها و بعد از افعال ربطی.

الف: قبل از اسم. مثال

He is **careful** driver.

او یک راننده با دقت است.

### فعل های ربطی عبارتند از:

Appear / به نظر رسیدن / become / شدن / feel / احساس کردن / get / شدن / keep / نگه داشتن / grow / شدن / look / به نظر رسیدن

seem, sound / به نظر رسیدن / smell / بوی خوب یا بد دادن / be / بودن / taste / مزه دادن

The truck driver is **careful**.

راننده کامیون با دقت است.

That food smells **good**.

آن غذا بوی خوبی دارد.

The book was **interesting**.

کتاب جالبی بود.

### صفات از نظر مقایسه

صفات از نظر مقایسه به سه دسته تقسیم می شوند:

الف: صفات برابری: برای بیان برابری دو اسم در رابطه با یک صفت (اندازه، شکل، رنگ، قد،...) از الگوی زیر استفاده میکنیم.

#### As + صفت + As

English is as difficult as math. انگلیسی به اندازه ریاضی سخت است.  
Tigers are as dangerous as lions. ببرها به اندازه شیرها خطرناک هستند.  
Mental health is as important as physical health. سلامتی ذهنی به مهمی سلامتی جسمی است.

البته در جمله دوم به جای as اول می توان از so هم استفاده کرد. به عبارت دیگر اگر جمله منفی باشد از این ساختار می توان استفاده کرد.

#### Not + so + adj + as

Tigers are not as dangerous as lions. ببرها به خطرناکی شیرها نیستند.

نکته کنکور: الگوی قید برابر هم، مثل صفت برابر می باشد. (قید یک فعل را توصیف می کند. به عبارت دیگر بیان کننده حالت فعل اصلی میباشد.)

#### As + قید + As

Ali explained the new lesson as well as our teacher. علی درس جدید رو به خوبی معلم توضیح داد.  
Ali explained the new lesson as good as our teacher. توجه: جمله اول درست می باشد چرا که قید نیاز است تا فعل explain توضیح داده شود. جمله دوم نادرست است good صفت است.

ب: برتر (تفضیلی): در این نوع مقایسه دو اسم از نظر داشتن یا نداشتن یک صفت با هم مقایسه می شوند و یکی از دو اسم بر دیگری برتری داده می شود.

ساختار: در این نوع مقایسه شکل صفت با افزودن پسوند یا پیشوند تغییر می کند. و نوع پسوند یا پیشوند به تعداد بخش های کلمه صفت بستگی دارد به این صورت که اگر صفت یک بخشی باشد به انتهای آن پسوند -er افزوده می شود و اگر کلمه صفت چند بخشی باشد به ابتدای آن کلمه more افزوده می شود. (البته با رعایت استثناها). در هر دو صورت حرف اضافه than در ساختار به کار می رود.

ساختار صفات تک بخشی به شرح زیر می باشد:

#### اسم + er + than + صفت + to be verbs + فاعل

Damavand is **higher** than Dena. دماوند از دنا مرتفع تر است.  
He is **taller than** his brother. او از برادرش قد بلند تر است.

همانطور که میبینید به این دلیل که این صفت ها یعنی tall و high تک بخشی هستند یعنی یک حرف صدادار دارند توانستیم به آنها er اضافه کنیم.

نکته: توجه شود که than نشانه مهم صفات تفضیلی در تست ها می باشد.

ساختار صفات تفضیلی چند بخشی به شرح زیر می باشد.

**Subject+ to be verbs+ more+ adjective+ than + noun**

Gold is more expensive than silver. طلا گرانتر از نقره است.

Animated movies are more interesting than action movies. انیمیشن ها جالبتر از فیلم های اکشن هستند.

همانطور که میبینید به این دلیل که صفات در این دو جمله چند بخشی هستند یعنی چند حرف صدادار دارند قبل از آنها more را اضافه کردیم.

نکته: متضاد کلمه ی more کلمه ی less می باشد.

This book is less interesting than that book.

**نکته کنکور:** برای توصیف و تاکید بر صفات برتر، از کلمات **much /a little/rather/a lot/ far** استفاده می شود. قبل از صفات برتر، نباید از **very** استفاده شود.

Physics is much more difficult than geography. فیزیک خیلی سختتر از جغرافیا است.

Math is a little more difficult than chemistry. ریاضی به کم سختتر از شیمی است.

**نکته:** الگوی قید برتر هم مثل صفت برتر می باشد با این تفاوت که قید فعل اصلی را توصیف میکند که در تست ها به این نکته باید توجه ویژه شود.

She speaks English more fluently than her brother. او انگلیسی را روان تر از برادرش صحبت میکند.

She speaks English more fluent than her brother.

توجه شود که جمله اول درست است چرا که ما به قید نیاز داریم تا فعل speaks را توصیف کنیم.

**استثنا ۱:** صفت هایی که دو بخش دارند اما در آخر آنها حرف y وجود دارد ابتدا حرف y به i تبدیل می شود و سپس -er می گیرند.

سادۀ	تفضیلی
dirty	dirtier
easy	easier

**استثنا ۲:** صفت هایی که در آخر آنها -er وجود دارد هم برای تبدیل به تفضیلی شدن -er می گیرند.

سادۀ	تفضیلی
clever	cleverer

**استثنا ۳:** صفت هایی که در آخر آنها -le وجود دارد هم برای تبدیل به تفضیلی شدن -er می گیرند.

سادۀ	تفضیلی
simple	simpler

**استثنا ۴:** صفت هایی که در آخر آنها -ow وجود دارد هم برای تبدیل به تفضیلی شدن -er می گیرند.

سادۀ	تفضیلی
narrow	narrower

**ج. برترین (عالی):** در این نوع مقایسه چند اسم با هم سنجیده می شوند و یکی از آنها از نظر داشتن یا نداشتن یک صفت بر همه اعضا آن گروه برتری داده می شود.

**ساختار:** در این نوع مقایسه نیز شکل صفت با افزودن پسوند یا پیشوند تغییر می کند. و نوع پسوند یا پیشوند به تعداد بخش های کلمه صفت بستگی دارد به این صورت که اگر صفت یک بخشی باشد به انتهای آن پسوند est- افزوده می شود و اگر کلمه صفت چند بخشی باشد به ابتدای آن کلمه the most افزوده می شود. (البته با رعایت استثنایها). در هر دو صورت حروف / of all/ ever/ in در ساختار به کار می رود. قبل از صفات نیز حرف تعریف the به کار می رود.

**ساختار صفات عالی تک بخشی به شرح زیر می باشد.**

**Subject+ to be verbs+ the + adjective+ est+ noun+ (of all, in....)**

او قد بلند ترین دانش آموز کلاس ماست. He is **the tallest** student in our class.

همانطور که میبینید اینجا یک شخص با کل کلاس مقایسه شده و به این دلیل که صفت tall تک بخشی می باشد توانستیم به آن est را اضافه کنیم.  
نکته کنکور: عبارات .... , in our family , in our class , of all و مانند اینها نشانه های تستی صفات عالی می باشند.

**ساختار صفات عالی چند بخشی به شرح زیر می باشد.**

**Subject + to be verbs + the + most + adjective + noun + of all**

Shiraz is **the most beautiful** city in Iran.

شیراز زیباترین شهر ایران است.

History is **the most interesting** subject that I have ever studied.

تاریخ جالبترین موضوعی است که تاکنون خوانده ام.

**استثنا ۱:** صفت هایی که دو بخش دارند اما در آخر آنها حرف y وجود دارد ابتدا حرف y به i تبدیل می شود و سپس est- می گیرند.

ساده	عالی
happy	happiest
pretty	prettiest

**استثنا ۲:** صفت هایی که در آخر آنها er- وجود دارد هم برای تبدیل به تفضیلی شدن est- می گیرند.

ساده	عالی
clever	cleverest

**استثنا ۳:** صفت هایی که در آخر آنها e- وجود دارد هم برای تبدیل به تفضیلی شدن est- می گیرند.

ساده	عالی
simple	simplest



استثنا ۴: صفت هایی که در آخر آنها ow- وجود دارد هم برای تبدیل به تفضیلی شدن est- می گیرند.

عالی	ساده
narrowest	narrow

نکته: الگوی قید برترین هم مثل صفات عالی می باشد با این تفاوت که قید برترین فعل قبل از خود را توصیف میکند.

او انگلیسی را روان تر از همه صحبت میکند. She speaks English the most fluently of all.

#### صفات بی قاعده

استثنا ۱: تعدادی از صفت ها از قواعد کلی بالا پیروی نمی کنند و مطابق جدول زیر استفاده می شوند و باید شکل تفضیلی و عالی آنها را حفظ کنیم.

توضیح	عالی	تفضیلی	ساده
	the best	better	good
	بهترین	بهتر	خوب
	the worst	worse	bad
	بدترین	بدتر	بد
فقط با اسم های غیر قابل شمارش	the most	more	much
	بیشترین	بیشتر	زیاد
فقط با اسم های قابل شمارش	the most	more	many
	بیشترین	بیشتر	زیاد
فقط با اسم های غیر قابل شمارش	the least	less	little
	کمترین	کمتر	کم
	the smallest	smaller	little
	کوچکترین	کوچکتر	کوچک

I'm sorry to say so, but **the worst thing** of all is that they have grown used to this pattern of behavior.  
متأسفم که اینطور میگویم اما بدترین همه اینها که آنها با این الگوی رفتاری بزرگ شده اند.

My English accent is worse than his accent.

لهجه انگلیسی من بدتر از لهجه او هست.

This is the best book that I have ever read. (good)

این بهترین کتابی است که تاکنون خوانده ام.

Teheran has more population than Shiraz. (many)

تهران جمعیت بیشتری نسبت به شیراز دارد.

#### کاربرد قیده‌ها در ساختار مقایسه ای

برای قیده‌ها نیز همانند صفات سه نوع مقایسه ساده، تفضیلی و عالی وجود دارد که از همان قوانین صفات پیروی می کنند اما نکته بسیار مهم این است که قید فعل را توصیف میکند و در واقع حالت فعل اصلی را بیان میکند.

He ran as quickly as he could.

او تا جایی که توانست سریع دوید.

She explains the new lesson as well as our teacher.

او درس جدید را به خوبی معلم توضیح داد.

He works harder than many other workers.

او سخت تر از خیلی از کارگران دیگر کار میکند.

He could jump the highest in the contest.

او توانست بالاترین میزان را در مسابقه بپرد.

با قیدهای یک بخشی و قید early همیشه -er و -est به کار می روند.

ساده	تفضیلی	عالی
fast	faster	fastest
high	higher	highest

با قیدهایی که به -ly ختم می شوند به جز early همیشه more و the most به کار می روند.

ساده	تفضیلی	عالی
carefully	more carefully	(the) most carefully

قیدهای بی قاعده

ساده	تفضیلی	عالی
well	better	best
badly	worse	worst
much	more	most
little	less	least
far	farther	farthest
	further	furthest

He described the story better than anyone here.

او داستان را بهتر از همه اینجا توصیف کرد.

He described the story the best of all.

او داستان را از همه بهتر توصیف کرد.

ترتیب قرار گرفتن صفات

گاهی ما بیش از یک صفت قبل از یک اسم به کار می بریم. اگر نخواهیم بر هیچ یک از صفات تاکید خاصی داشته باشیم، ترتیب منطقی صفات به شکل زیر است:

Noun marker شناسه	Opinion ایده / نظر / کیفیت	Size اندازه	Age سن / قدمت	Shape شکل	Color رنگ	Origin منشأ / ملیت	Material جنس	Noun اسم
a	wonderful		old					building
a		big			red			bus
an			antique			Chinese		cup
a	lovely				white			dress
a		small		round			copper	coin
a			old		black			cat
a		huge		round			ham	pizza
a			new		brown		wooden	pen
a			young		blond	Swedish		lady

I bought a nice large new blue Turkish cotton shirt in Istanbul last year.

## مهمترین لغات درس دو زبان دهم

Creation: آفرینش	wonder: شگفتی	for a long time: برای مدت طولانی	orbit: مدار
Healthy: سالم	defend: دفاع کردن	collect: جمع کردن	it's a fact that: یه واقعیه که
Against: در مقابل	donate: اهدا کردن	strange: عجیب	carefully: با دقت
Compare: مقایسه	comparison: مقایسه	describe: توصیف کردن	actually: در واقع
Details: جزئیات	quality: کیفیت	medium: رسانه، متوسط	polite: مودب
In terms of: از نظر	elements: اجزاء، عناصر	material: مواد	organ: اندام یا عضو بدن

## سوالات تستی گرامر درس ۲ زبان دهم

- [illegible]

12. She has produced some ..... carpets.  
1) large Persian beautiful                      2) beautiful large Persian  
3) Persian large beautiful                      4) beautiful Persian large
13. Those ..... buildings are very expensive.  
1) old red fine stone                      2) fine red old stone                      3) fine old red stone                      4) old fine red stone
14. Yesterday I bought a ..... shirt which was so beautiful.  
1) nice pink Turkish cotton                      2) nice pink cotton Turkish  
3) nice Turkish pink cotton                      4) nice pink Turkish cotton
15. In the cupboard , there are some ..... tea cups used for special guests.  
1) small beautiful Italian                      2) beautiful small Italian  
3) small Italian beautiful                      4) Italian beautiful small
16. My brother has a ..... table-lamp in his room.  
1) small beautiful round                      2) beautiful small round  
3) white beautiful round                      4) round beautiful white
17. Mary always likes to drive a(n) ..... car.  
1) little old red                      2) little red old                      3) red little old                      4) old little red

#### زمان گذشته استمراری درس ۳ دهم

زمان گذشته استمراری به عملی اشاره دارد که در گذشته در زمان معین و مشخصی برای مدتی ادامه دار بوده است و در واقع در گذشته استمراری تاکید بر استمرار عمل انجام شده در آن زمان معین می باشد.

#### Subject + was/were + verb + ing + object

I was watching football at 9:30 last night.

#### ساختار گذشته استمراری

دیشب ساعت نه و نیم فوتبال تماشا میکردم.

They were watching football at 9:30 last night. آنها ساعت نه و نیم دیشب فوتبال تماشا میکردند.

مفهوم: جملات این زمان برای بیان کارهایی به کار می روند که:

۱. در زمان مشخصی در گذشته مدتی در حال انجام بوده. گذشته ساده به تمام عمل ( به صورت واحد) اشاره دارد در حالی که گذشته استمراری تمام عمل را توصیف نمیکند؛ بلکه بر استمرار عمل در زمان معینی در گذشته تاکید دارد.

او ساعت شش و نیم دیشب کتاب میخواند. He was reading a book at 6: 30 yesterday evening.

۲. دو کار همزمان (بدون تاثیرگذاری بر همدیگر) در حال انجام بوده اند.

وقتی که من مطالعه میکردم ، مادرم در حال آشپزی بود. While I was studying my lessons, my mother was cooking.

۳. کاری در گذشته در حال انجام بوده و کار دیگری انجام شده و آنرا قطع کرده است.

وقتی تلفن زنگ خورد، ما داشتیم آشپزی میکردیم. When the phone rang, we were eating dinner.

نکته: افعال حالتی، یعنی افعالی که بر احساس، فکر، نیاز، مالکیت و نظایر آن دلالت دارند با زمانهای استمراری (از جمله گذشته ی استمراری) بکار نمیروند.

I don't know this neighborhood. من این محله را نمیشناسم.

Scientists believe that many factors cause changes in weather.

دانشمندان بر این باورند که عوامل زیادی باعث تغییرات آب و هوایی میشوند.

نمونه های جمله های خبری، منفی و سوالی

نکته: به این دلیل که was, were افعال کمکی میباشند برای منفی کردن زمان گذشته استمراری کافی است به آنها not را اضافه کنیم. و برای سوالی کردن این زمان کافی است جای was, were را با فاعل قبل از خود عوض کنیم. مثال:

He was doing his homework yesterday evening at 7:00 p.m.

He wasn't doing his homework yesterday evening at 7:00 p.m.

Was he doing his homework yesterday evening at 7 o'clock?

علامه نشان دهنده گذشته استمراری while و when هستند. تفاوت آنها در این است که بعد از while از جمله زمان گذشته استمراری استفاده می شود اما بعد when جمله زمان گذشته ساده به کار می رود.

While we were studying math, he called.

وقتی که ما در حال خواندن ریاضی بودیم او زنگ زد.

They were talking when the accident happened.

وقتی که تصادف اتفاق افتاد آنها در حال صحبت بودند.

نکته کنکور: عبارات زیر از نشانه های زمان گذشته استمراری در تست ها می باشند.

**Between 9 and 11, at 7: o'clock yesterday, all last night, all yesterday, yesterday at this time.**

Yesterday at this time, I was studying math.

دیروز این موقع داشتم ریاضی میخواندم.

ضمیرهای تأکیدی و انعکاسی

این ضمایر دارای شکل های زیر هستند و دارای دو کاربرد هستند:

ضمایر فاعلی	ضمیر تأکیدی / انعکاسی
I من	myself خودم
You تو	yourself خودت
He او	himself خودش
She او	herself خودش
It آن	itself خودش
We ما	ourselves
You شما	yourselves خودتان
They آنها	themselves خودشان

**الف: کاربرد تاکید:** برای تاکید بر روی فاعل یا مفعول به کار می‌روند و پس از این عناصر در جمله به کار می‌روند. مثال:

I saw the teacher himself. (من خود معلم را دیدم) (و نه شخص دیگری را دیدم)  
I myself saw the teacher. (من خودم معلم را دیدم) (و نه کس دیگری او را دید)

**ب: کاربرد انعکاسی:** در این کاربرد self-pronoun ها به جای ضمیر مفعولی می‌آیند اگر فاعل و مفعول یک جمله یک نفر یا یک چیز باشد. به عبارت دیگر زمانی که فاعل و مفعول در جمله یک شخص یا یک چیز باشد از ضمائر انعکاسی استفاده می‌کنیم. مثال:

I saw him in the mirror.  
من او را در آینه دیدم. به این دلیل که فاعل و مفعول متفاوت می‌باشد در جایگاه مفعول از ضمیر مفعولی استفاده شده است.

I saw myself in the mirror.  
در جمله فوق به جای اینکه بگوییم "من من را در آینه دیدم" می‌گوییم "من خودم را در آینه دیدم" به این دلیل که فاعل و مفعول یک شخص می‌باشد در جایگاه مفعول از ضمیر انعکاسی استفاده شده است.

**چنانچه قبل از ضمیر انعکاسی حرف اضافه by بیاید معنی "به تنهایی" میدهد و نقش قیدی دارد.**

• My father wishes I would agree to move back home, but I enjoy living by myself.  
پدرم آرزو میکند که من با رفتن به خانه موافقت کنم ، ام من از زندگی به تنهایی لذت می‌برم.

**نکته کنکور:** معمولاً بعد از افعال bring , take و به طور کلی بعد از حروف اضافه حتی اگر فاعل و مفعول یک شخص هم باشد از ضمائر مفعولی استفاده می‌کنیم.

She took her umbrella with her. او چترش را با خودش برداشت.

### مهمترین لغات درس سه زبان دهم

Value: ارزش داشتن	cradle: گهواره	grave: گور	scientific: علمی
Medicine: پزشکی	belief: باور و اعتقاد	observe: مشاهده کردن	laboratory: آزمایشگاه
Experiment: آزمایش	rapidly: به سرعت	successfully: موفقیت	invent: اختراع
Develop: توسعه و گسترش	skillfully: با مهارت	quit=give up: ترک کردن	fortunately=luckily
Sadly: متأسفانه	famous for: مشهور برای	believe in: اعتقاد به	finally: سر انجام
Translate: ترجمه کردن	recite: تلاوت کردن، از حفظ خواندن	publish: چاپ و انتشار	pass away: از دنیا رفتن

Researcher: محقق	get around: شیوع پیدا کردن	power went out: برق رفتن	narrate: نقل کردن
Situation: وضعیت	suddenly: ناگهان	emphasize: تاکید کردن	emphasis: تاکید
Notice: توجه کردن	strongly: با قدرت بیشتر	special emphasis: تاکید ویژه	express: بیان کردن
Relate to: مربوط به	put aside: کنار گذاشتن	thoughts: افکار	continuous: مداوم، پشت سر هم

### سوالات تستی از گرامر درس ۳

1. While I ..... off the bus, I ..... down and was injured.  
1) got – fell                                  2) was getting - was falling  
3) got- was falling                        4) was getting - fell
2. The little girl disappeared while she ..... home from school.  
1) walking                      2) was walking                      3) was going to walk                      4) walked
3. I was just closing my eyes to go to sleep .....  
1) when the phone was ringing                      2) while the phone was ringing  
3) when the phone rang                      4) while the phone rang
4. When I ....., I was very tired and went to bed immediately.  
1) came home last night from work                      2) came home from work last night  
3) was coming home last night from work                      4) was coming home from work last night
5. .... the car, I hit the car behind.  
1) Unfortunately, while I was parking                      2) While I was unfortunately parking  
3) When I was parking the car unfortunately                      4) Unfortunately, when I parked
6. The sailors are preparing .....  
1) for themselves a long trip                      2) themselves for a long trip  
3) for a long trip themselves                      4) themselves a long trip for
7. She introduced ..... and gave Annie .....  
1) her – handshake                      2) her - a handshake  
3) herself - handshake                      4) herself - a handshake
8. Mary's son was quickly tired of his toy and moved on to something else to entertain ..... with.  
1) himself                      2) herself                      3) itself                      4) themselves
9. He teaches ethics but I don't think .....  
1) he is himself a good person at all                      2) he is a good person himself at all  
3) he himself is a good person at all                      4) himself is a good person at all
10. Don't worry about ..... I can look after .....  
1) myself- me                      2) me – myself                      3) me - by myself                      4) myself – me

### درس چهارم زبان دهم : modal verbs

#### افعال کمکی ناقص از چند قاعده کلی پیروی می کنند:

همه آنها شکل ثابتی دارند یعنی برای فاعل های مختلف شکل آنها تغییر نمی کند.  
هیچکدام به تنهایی نمی توانند در جمله ها به کار بروند.  
بعد از همه آن حتما یک فعل اصلی می آید.  
فعل اصلی بعد از آنها به شکل مصدر بدون to یا شکل ساده است.

#### ساختار کاربردی افعال ناقص:

در این درس به بررسی افعال کمکی ناقص زیر می پردازیم:

مصدر بدون to + فعل کمکی ناقص + فاعل

Can/could/be able to

May/might

Should

Must/have to/has to/had to

Will

#### کاربرد های فعل وجهی یا مودال can

#### الف: بیان توانایی یا عدم توانایی (ذهنی/ بدنی) در زمان حال و آینده

He can speak three languages.

او میتواند به سه زبان صحبت کند.

She can play the piano very well.

او میتواند به خوبی پیانو بنوازد.

#### برای بیان توانایی میتوانیم از ساختار be able to هم استفاده کنیم.

مصدر بدون to + able to + am / is / are / will

+ am not/ isn't / aren't/ won't be + able to

Mike **is able to** solve complicated math questions.

مایک میتواند مسئله های دشوار ریاضی را حل کند.

The support team **will be able to help** you in about ten minutes.

تیم پشتیبانی تا حدود ده دقیقه دیگر قادر خواهد بود به شما کمک کند.

#### شکل گذشته can کلمه could میباشد که برای بیان توانایی در گذشته استفاده میشود.

When I was a child, I **could climb** trees.

وقتی کوچک بودم میتوانستم از درخت بالا بروم.

#### ب: کاربرد دوم و مهم can برای بیان امکان / عدم امکان چیزی به کار می رود.

You can catch that train at 10:43.

میتوانید آن قطار را در ساعت ۱۰:۴۳ بگیرید.

He can't see you right now. He's at work.

نمیتوانی او را الان ببینی. او الان سر کار است.



ج: برای بیان اجازه خواستن / اجازه دادن هم میتوانیم از can, could استفاده کنیم.

Can you lend me ten dollars? (informal) میتونی ده دلار بهم قرض بدی؟  
You can borrow my car. (informal) میتونی ماشینمو قرض بگیری؟  
Could I have your number? (polite) میتونم شمارتونو داشته باشم؟  
Could I talk to your supervisor please? (polite) میتونم با مشاورتون صحبت کنم لطفا؟

may/might

کاربردها:

الف: همراه با فعل ساده برای بیان احتمال انجام کار یا وقوع عملی در حال یا آینده به کار می رود. معمولاً در این مورد میتوان از هر یک از فعل های کمکی may و might استفاده کرد. شکل منفی این فعلهای کمکی may not و might not میباشد.

may / may not + to مصدر بدون

I may/might go to the cinema tomorrow. It depends what time I get home from work.

ممکنه فردا برم سینما. بستگی داره کی از سر کار برسم خونه.

ب: برای پیشنهاد کمک به کسی یا تقاضای مؤدبانه جهت کسب اجازه برای انجام یک کار.

A: May I borrow this pen? B: Sure, go ahead. ممکنه این مدادو قرض بگیرم؟ حتما بفرمایید.

Should

الف: برای بیان توصیه، پیشنهاد، وظیفه، مسئولیت یا ضرورت انجام یک کار (بواسطه توصیه یا پیشنهاد کسی دیگر) در زمان حال یا آینده.  
شکل منفی آن should not یا shouldn't میباشد.

should + to مصدر بدون

You are tired. You should take a rest. شما خسته هستید. بهتره که استراحت کنید.  
You should drink a lot of water. باید آب زیادی بنوشید.  
We shouldn't eat unhealthy food. نباید غذای ناسالم بخورید.

Must, have to, has to, had to

must / have to / has to + to مصدر بدون

الف: برای بیان ضرورت و الزام در (زمان حال و آینده)

You must have a passport to cross the border. باید پاسپورت داشته باشید تا از مرز عبور کنید.  
I won't be at work tomorrow. I have to go to the doctor. فردا سر کار نخواهم بود. باید برم دکتر.

ب: برای بیان الزام و ضرورت در زمان گذشته از had to استفاده میکنیم.

I had to work late last night. شب گذشته مجبور بودم تا دیر وقت کار کنم.  
نکته کنکور: اگر بخواهیم از موقعیتی نتیجه گیری داشته باشیم یعنی استنتاج مثبت از موقعیتی از must استفاده میکنیم.

He was driving all last night. He **must be** very tired.

او تمام دیشب در حال رانندگی بود. به احتمال زیاد خیلی خسته است.

Thomas has lived in Paris for years. His French **must be** very good.

توماس سالهاست که در پاریس زندگی میکند. به احتمال زیاد فرانسویش خیلی خوب است.

She knew everything about our plans. She **must have listened** to our conversation.

او همه چیز را راجع به برنامه ما میدانست. به احتمال زیاد مکالمه ما را گوش داده است.

حروف اضافه

حروف اضافه زمان

الف: حرف اضافه in :

این حرف اضافه با اسم های زیر به کار می رود:

۱. قبل از ماههای سال

**in** July, **in** the month of July

**in** September, **in** the month of September

۲. قبل از سالها

**in** 1996, **in** the year 1996

**in** 2012, **in** the year 2012

۳. قبل از فصل های سال

**in** summer

**in** the summer

۴. قبل از بخش هایی از یک روز

**in** the afternoon, **in** the evening , **in** the morning

ب: حرف اضافه at :

۱. بخش هایی از یک روز و ساعت

**at** 6 (o'clock), **at** 7 p.m.

**at** midday , **at** noon , **at** night, **at** midnight

## ۲. با زمان های جشن و خاص

at Christmas

## ۳. با نقاطی از زمان / هفته

at the weekend (on the weekend, on weekends )

at the time, at the same time

## ج: حرف اضافه on :

## ۱. با روزهای هفته

on Sunday, on Sundays

on Good Friday

## ۲. با تاریخ های مشخص

on the 25<sup>th</sup> of December\*

on December (the) 25<sup>th</sup> \*

## قیدها

قیدها اطلاعاتی درباره فعل جمله می دهند در حالیکه صفت ها اسم ها را توصیف می کنند.

انواع قیدها: قید تکرار / قید حالت / قید مکان / قید زمان

## قید تکرار:

این نوع قید به تعداد دفعات و میزان تکرار انجام کاری اشاره میکند و جایگاه قرار گرفتن آن در جمله بعد از افعال کمکی و قبل از افعال اصلی است.

## اصلی است.

قید های تکرار عبارتند از :

Always/ usually/ often / sometimes/ seldom/ hardly ever / never

He is always late for the class. او همیشه واسه کلاس دیر میکنه.

He always comes to class late. او همیشه دیر میاد کلاس.

He has never travelled to any foreign country. او هرگز به هیچ کشور خارجی سفر نکرده است.

## قید حالت:

این نوع قید به چگونگی انجام کار یا حالت انجام کاری اشاره می کند. این نوع قیدها به دو دسته باقاعده و بی قاعده تقسیم می شوند.

قیدهای حالت باقاعده از افزودن -ly به آخر صفات به دست می آیند.

He ran quickly. او به سرعت میدود.

She spoke fluently. او روان صحبت میکند.

تعدادی از قیدها حالت از این قاعده پیروی نمی کنند و شکل قیدی آنها را باید حفظ کرد.

Adjective	Adverb
-----------	--------

good	well
fast	fast
hard	hard
late	late
early	early
daily	daily
straight	straight
wrong	wrongly

The math teacher explained all the questions **well**.

معلم ریاضی همه ی سوالات ما را به خوبی پاسخ داد.

**نکته ۱:** اگر صفتی به حرف y ختم شود برای تبدیل آن به قید حالت باید y را به I تبدیل کرد و سپس Iy اضافه کرد، به شرطی که قبل از حرف y یک صدای صامت آمده باشد.

happy – happily but: shy – shyly

**نکته ۲:** اگر صفتی به Ie ختم شده باشد کافیسٹ e را حذف کرده و به جای آن y اضلیفه کنیم تبدیل به قید حالت خواهد شد.

terrible – terribly

**نکته ۳:** همه کلماتی که Iy دارند قید حالت نیستند.

**adjectives ending in -ly:** friendly, silly, lonely, ugly (صفاتی که Iy دارند)

**nouns, ending in -ly:** Italy, (اسم هایی که Iy دارند)

**verbs, ending in -ly:** apply, rely, supply (Iy دارند)

(فعل هایی که)

#### قیدهای مکان:

که به مکان انجام شدن کار اشاره می کنند و غالباً عبارت هایی با حرف اضافه هستند. مانند: at school/in the room, ... این قیدها معمولاً بعد از قید حالت و قبل از قید زمان در جمله ها به کار می روند.

#### قیدهای زمان:

این نوع قیدها هم زمان انجام شدن کار را نشان می دهند و علاوه بر قیدهای زمان مستقل تعدادی از این نوع قیدها همانند قیدهای مکان از ترکیب حروف اضافه و اسم های زمان ها بوجود می آیند. مانند: yesterday/ tomorrow/ in the morning, ...

### مهمترین لغات درس چهار زبان دهم

attract: جذب کردن	attractions: جاذبه	destination: مقصد	probable: احتمالی
Suggestion: پیشنهاد	hospitable: مهمان نواز	ancient: قدیمی، باستانی	entertainment: سرگرمی
Entertain: سرگرم کردن	domestic: اهلی، داخلی	culture: فرهنگ	a wide range of: طیف گسترده از
Widely: به طور گسترده	tradition: رسم، سنت	traditional: سنتی	ceremony: جشن
Embassy: سفارت	take time: وقت گرفتن	book: رزرو کردن	obligation: تعهد، وظیفه
Possibility: امکان، احتمال	take medicine: دارو مصرف کردن	contrast: تضاد	mostly: اکثرا
Known as: معروف به	neatly: به طور مرتب	patiently: صبورانه	rudely: با بی ادبی
Comfortably: به راحتی	quietly: به آرامی	cruelly: با بی رحمی	generously: با بخشندگی
Prepare: آماده کردن	exactly: دقیقا		

### کتاب کار دهم

Do voluntary work: انجام کار داوطلبانه	column: ستون	consider: در نظر گرفتن
Average life span: طول عمر متوسط	disease: بیماری	ashamed: خجالت زده
Interview: مصاحبه	as much as possible: تا جایی که امکان دارد	journey: سفر
Means of transportation: وسایل حمل و نقل	prefer: ترجیح دادن	

### سوالات تستی از گرامر درس ۴

- ..... you please bring me ..... of water?  
1) Do - some      2) May - a drop      3) Could - a glass      4) May - some of
- Now that you are grown up, you ..... behave like ..... child.  
1) mustn't - a      2) mustn't / ---      3) cannot / a      4) cannot / the
- I ..... eat any more, thanks - you ..... take it away now.  
1) can't - can      2) can't - must      3) must - can't      4) may not - can
- My mother does not allow shoes in her home, so we ..... take off our slippers at the door.  
1) can      2) are      3) may      4) must
- The course will help you develop ..... understanding of .....  
1) a deeper - you      2) deep - you      3) a deeper - yourself      4) deepest - yourself
- ..... at the party, Mary was cutting ..... birthday cake.  
1) While we arrived - the      2) When we arrived - the

- 3) While we were arriving - the 4) While we were arriving - a  
 7. A: When is the meeting? B: The meeting is ..... Thursday ..... 8:30.  
 1) on - on 2) on - at 3) in - at 4) at - at  
 8. A: When were you born? B: I was born ..... January 1st ..... London.  
 1) in - in 2) in - at 3) on - in 4) on - at  
 9. The restaurant opens ..... 10:00 ..... the morning and closes ..... midnight.  
 1) at - in - in 2) in - in - on 3) at - at - in 4) at - in - at  
 11. I'll see you ..... Friday morning ..... front of the theater, Ok?  
 1) on - in 2) in - in 3) in - at 4) on - at  
 12. Anyone interested ..... joining the club should contact us at the address below.  
 1) to 2) at 3) in 4) for  
 13. A combination of factors may be responsible ..... the increase in heart attack.  
 1) with 2) for 3) about 4) of  
 14. I'm not ashamed ..... what I did. In fact I'm quite proud ..... it.  
 1) at - for 2) in - of 3) for - about 4) of - of

#### سوالات تستی لغات از کل کتاب دهم.

1. Not everyone likes the police, but they work for the government and are here for our own .....  
 1) behavior 2) entertainment 3) schedule 4) protection  
 2. A stranger living nearby is better than a(n) ..... living far away.  
 1) human 2) patient 3) neighbor 4) relative  
 3. The book was written in a style ..... to the age of the children.  
 1) appropriate 2) available 3) favorite 4) familiar  
 4. If you compare house prices in the two areas, it's quite ..... how different they are.  
 1) probable 2) amazing 3) popular 4) helpful  
 5. I always confuse you with your sister – you look so .....  
 1) alike 2) amazing 3) fortunate 4) confident  
 6. Blood cells carry oxygen round the body and ..... carbon dioxide from body parts.  
 1) follow 2) locate 3) collect 4) defend  
 7. There are thousands of white cells in a drop of blood that are bigger than red cells and  
 ..... our body against microbes.  
 1) defend 2) practice 3) save 4) clear  
 8. It's very difficult to give a clear ..... of happiness because it has so many uses.  
 1) pattern 2) understanding 3) relationship 4) definition  
 9. To explain how the heart sends blood around the body, the teacher ..... how a pump  
 works.  
 1) identified 2) described 3) suggested 4) created  
 10. If the children ..... appropriately, they will be able to participate in the play.  
 1) prepare 2) observe 3) protect 4) behave

11. We'll need to examine the plan in greater ..... before we can make a decision.  
1) detail                      2) value                      3) interest                      4) knowledge
12. People who have ..... body fat should decrease calories and lose weight.  
1) average                      2) extra                      3) certain                      4) positive
13. Scientists are great men and women who try hard to find ....., solve problems and invent things.  
1) sites                      2) facts                      3) skills                      4) values
14. The metal becomes ..... if heated, and this occurs at temperatures of over 300 C.  
1) lost                      2) neat                      3) liquid                      4) strong
15. A special building from which scientists watch the moon, stars, weather etc, is called a(n) .....  
1) embassy                      2) institute                      3) laboratory                      4) observatory
16. Water makes up most of your blood and helps ..... oxygen and food to the cells in your body.  
1) burn                      2) enjoy                      3) pump                      4) carry
17. Exercise and weight loss can help lower your blood pressure and help you feel more .....  
1) brave                      2) famous                      3) energetic                      4) strange
18. Scientists are ..... research into the effects of smoking on people's lives.  
1) making                      2) acting                      3) doing                      4) taking
19. When my father ....., I had to return to my hometown after twenty years away to attend his funeral.  
1) died out                      2) gave up                      3) got ready                      4) passed away
20. My grandmother is a very kind woman, treating everyone well and being very ..... even to strangers.  
1) traditional                      2) hospitable                      3) experienced                      4) recognizable
21. The ..... of many ancient paintings shows that good art is nothing new.  
1) sense                      2) taste                      3) style                      4) value
22. Computer games and music are two forms of ..... that can have a strong influence on a child's behavior.  
1) custom                      2) behavior                      3) experience                      4) entertainment
23. .... tourists travel to different parts of their own country while international tourists travel abroad.  
1) Domestic                      2) Popular                      3) Ordinary                      4) Foreign
24. She ..... great culture shock when she first came to Europe.  
1) attracted                      2) experienced                      3) created                      4) defended
25. The host served us a(n) ..... of fruit, containing everything from watermelon to blueberries.  
1) choice                      2) amount                      3) plenty                      4) range
26. Let's sit in that corner - away from everyone else. We don't want to ..... attention.  
1) attract                      2) reflect                      3) escape                      4) follow
27. The area is a real paradise for those who love walking and swimming. "Paradise" is closest in meaning to .....  
1) destination                      2) purpose                      3) heaven                      4) wish
28. Mina wasn't ..... nanotechnology but after reading a few books on the subject, she learned quickly.  
1) interested in                      2) hopeful about                      3) fluent in                      4) familiar with
29. Even though the wedding is just a week away, there is still much to do to prepare for the .....  
1) journey                      2) ceremony                      3) recreation                      4) schedule

30. A(n) ..... is a room or building that is used for scientific research, experiments, testing, etc.  
1) library      2) laboratory      3) observatory      4) center
31. There aren't many good things about viruses – they usually ..... your body and make you sick!  
1) access      2) appear      3) attack      4) attract
32. The woman was puzzled by her recent weight gain since she exercised ..... and ate healthy meals.  
1) patiently      2) honestly      3) hopefully      4) regularly
33. Aristotle believed that the universe is made up of 4 .....: earth, air, fire and water.  
1) facts      2) elements      3) wonders      4) qualities
34. .... refers to animals and plants growing in natural condition.  
1) Extinction      2) Countryside      3) Wildlife      4) Environment
35. Scientists did a(n) ..... on mice to find out if the new medicine is safe for people.  
1) experiment      2) observation      3) attempt      4) mission
36. The automobile industry is an important source of employment and ..... for millions of people worldwide.  
1) research      2) attempt      3) transportation      4) entertainment
37. The woman was not certain about how tall the attacker was, but knew ..... what his face looked like.  
1) simply      2) exactly      3) physically      4) possibly
38. If people donate ..... to local charities, it will be of great help to the children in need.  
1) recently      2) fortunately      3) generously      4) interestingly
39. Since the restaurant was ..... in a special area of the town, the customers would expect to pay a large price for their meal.  
1) based      2) interested      3) attracted      4) located
40. More than one billion people on our planet don't have access to safe drinking water.  
"Safe" means .....  
1) harmless      2) fresh      3) clear      4) mineral



### درس یک زبان یازدهم

### اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش (Countable /Uncountable Nouns)

#### اسامی قابل شمارش

اسامی قابل شمارش آنهایی هستند که می توانیم با استفاده از عددها آنها را بشماریم. و هر دو شکل مفرد و جمع دارند. شکل مفرد آنها می تواند شناسه (حرف تعریف) a یا an قبل از خود بگیرد. اگر بخواهیم در مورد کمیت (تعداد) اسامی قابل شمارش سوال بپرسیم باید از How many...? استفاده کنیم که بعد از آن اسم قابل شمارش جمع به کار رفته است.

She has **three cars**. او سه تا ماشین دارد.  
I own **a house**. من یک خانه دارم.  
I would like **two books** please. من دو تا کتاب میخوام لطفا.  
**How many friends** do you have? چن تا دوست داری؟

#### اسامی غیر قابل شمارش

اسامی غیر قابل شمارش اسم هایی هستند که نمی توانیم با عدد بشماریم. این اسم ها ممکن است اسامی مفاهیم غیر قابل لمس یا انتزاعی مانند ایده ها یا کیفیت ها باشند و یا برای مفاهیم فیزیکی به کار بروند که بسیار کوچک یا بدون شکل منظم هستند که به هم پیوسته باشند (مانند مایعات، پودرها و...). اسامی غیر قابل شمارش همیشه با فعل مفرد به کار می روند و معمولاً شکل جمع ندارند و عبارتند از:

#### ۱. اکثر مایعات، نوشیدنی ها و گاز ها :

هو air, دود smoke, اکسیژن oxygen, قهوه coffee, آب میوه juice, چای tea, شیر milk, آب water, خون blood, سوخت Fuel

#### ۲. اسم های مربوط به جنس، مواد و برخی از غذا ها :

برنج rice, نان bread, کره butter, گوشت meat, آهن iron, چوب wood, کتان cotton, طلا gold, نقره silver,  
سوپ soup, نمک salt, شکر sugar

#### ۳. زبان ها :

English, Persian, Chinese, Arabic,.....

#### ۴. برخی از اسم های معنی (انتزاعی) :

دانش knowledge, سلامتی health, زیبایی beauty, خوشحالی happiness, صداقت honesty, عشق Love

#### ۵. برخی اسم های غیر قابل شمارش دیگر عبارتند از :

هو weather, اسباب و اثاثیه furniture, نصیحت advice, اطلاعات information, تکالیف homework, پول Money,  
شیشه glass, کار work, فضا room, بازی, سرگرمی play, نور light, غذا food, زمان time, خبر news, ترافیک Traffic,  
کاغذ Paper

با این اسامی حروف تعریف a/an به کار نمی روند و برای بیان کمیت (مقدار) آنها از واحد های شمارش آنها استفاده می کنیم.

a cup of, a bag of, 1kilogram of,  
I need two bottles of water.

اگر بخواهیم در مورد کمیت این اسامی سوال پرسیم باید از عبارت **How much...?** همراه با اسم غیر قابل شمارش استفاده کنیم.

How much milk do you drink in a week?  
I drink three glasses of milk every morning.

#### شناسه های اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

شناسه هایی کمی به سه دسته تقسیم می شوند:

**دسته اول:** **many / a few / few** که برای بیان تعداد کم و تعداد زیاد هستند همیشه با اسامی قابل شمارش جمع به کار می روند.

I don't have many friends here.	دوستان زیادی اینجا ندارم.
A <b>few</b> students are absent today.	تعدادی دانش آموز امروز غایب هستند.
<b>Few</b> students are absent today.	تعداد خیلی کمی دانش آموز امروز غایب هستند.

نکته کنکور: **few** معنای منفی دارد و در جمله میتوانیم آن را تقریباً هیچی معنی کنیم.

**دسته دوم:** **much / a little / little** که برای بیان مقدار کم و زیاد همیشه با اسامی غیر قابل شمارش به کار می روند.

او وقت زیادی ندارد. He doesn't have **much** time.  
او وقت کمی دارد. He has **a little** time.  
او وقت بسیار اندکی دارد. He has **little** time.

نکته کنکور: **little** معنای منفی دارد و در جمله میتوانیم آن را تقریباً هیچی معنی کنیم.  
نکته کنکور: از **much** اغلب در جملات منفی استفاده میکنیم.

**دسته سوم:** **some / a lot of / lots of** که هم برای بیان مقدار و هم بیان تعداد کاربرد دارند. هم می توان آنها را برای اسامی قابل شمارش و هم اسامی غیر قابل شمارش به کار برد و بیشتر در جملات خبری مثبت به کار میروند.

او مقداری نان خریده است. He has bought **some milk**.  
او تعدادی کتاب به من داده است. He has given **some books** to me.  
او هر روز شیر زیادی می نوشد. He drinks **a lot of milk** every day.  
او تاکنون کتاب های داستان زیادی خوانده است. He has read **a lot of story books** so far.

**نکته ۱:** کاربرد **lots of, a lot of** و **plenty of** هم مانند یکدیگر است.

**نکته ۲:** در جملات سوالی و منفی معمولاً برای بیان مقدار یا تعداد اسامی به جای شناسه های عادی از **any** استفاده می شود. بعد از **any** هم میتوان از اسامی قابل شمارش جمع و هم غیر قابل شمارش استفاده کرد.

هیچ شیری در یخچال نیست.	There isn't any milk in the fridge.
ایا هیچ شیری در یخچال هست؟	Is there any milk in the fridge?
هیچ سیبی در یخچال نیست.	There aren't any apples in the fridge.

نکته: برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش، از کلمات اندازه گیری و ظروف (پیمانه ها) استفاده می کنیم. که این کلمات اندازه گیری (واحد های شمارش) را می توانیم جمع ببندیم، اما خود اسم های غیر قابل شمارش بدون تغییر می ماند (جمع بسته نمی شوند).

او هر روز صبح دو فنجان چای می نوشد. She drinks **two cups** of tea every morning.  
من سه قرص نان دیروز صبح خریدم. I bought **three loaves** of bread yesterday morning.

نکته: اگر اعداد hundred, thousand, million, billion قبل از اسم بیایند و قبل از آنها یک عدد بیایید (یعنی نقش صفت را داشته باشند) S، جمع نمی گیرند.

حدود سیصد دانشجو در کنفرانس بودند. There were about **three hundred** students at the conference.  
اوسه میلیون دلار واسه ی خریدن اون ماشین هزینه کرد. He spent **three million** dollars to buy that car.

این کلمات زمانی می توانند s جمع بگیرند که قبل از آنها عدد نیاید و بعد از آنها حرف اضافه of بیاید.

آن صدها بار اتفاق افتاده است. It has happened hundreds of times.  
میلیون ها نفر در این منطقه زندگی میکنند. Millions of people live in this area.

برای نوشتن اعداد 21 تا 99 که ترکیبی از دو عدد هستند، بین آنها خط تیره قرار می دهیم، و هنگام خواندن این اعداد از and استفاده نمی کنیم.

thirty-five (NOT thirty five) (NOT thirty and five)

اما برای نوشتن اعداد بیشتر از صد، نیازی به خط تیره نیست.

a hundred or one hundred

ترتیب معمول قرار گرفتن کلمات در جمله های ساده، در زبان انگلیسی به شرح زیر می باشد:

subject + verb + object + adverb of manner + adverb of place + adverb of time.

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

He spoke English fluently in class this morning.

### مهمترین لغات درس یک یازدهم

Available: موجود ، در دسترس	communicate: ارتباط برقرار کردن	means of communication: وسیله برقراری ارتباط	
Familiar with: آشنا شدن با	keep off: پرهیز کردن	frequently: مکررا	besides: علاوه بر
Experience: تجربه	absolutely: قطعا	fluently: روان صحبت کردن	to be honest: صادقانه
Broadcast: پخش، انتشار	as early as possible: هر چه زودتر	exist: وجود داشتن	range from ...to: متغیر است از
Meet the needs: احتیاجات رو برطرف کردن	by means of: به وسیله ی	society: جامعه	despite: علی رغم
Vary: متفاوت بودن	make up: تشکیل دادن	take notice of: توجه کردن	exchange: مبادله کردن
Through: از طریق	interestingly: جالب این است	all around the world: سراسر دنیا	nearly: حدود
No matter: مهم نیست	valuable: با ارزش	therefore: بنابراین	move across: حرکت دادن در امتداد
Develop: توسعه و بسط	belong: تعلق داشتن	quit=give up: ترک کردن	fortunately=luckily: خوشبختانه
Seek: جست و جو	disappear: ناپدید شدن، از بین رفتن	cultural values: ارزش های فرهنگی	
Wrongly: به طور اشتباه	measure: اندازه گیری	at least: حد اقل	at last: در آخر
Simply: به آسانی	in a place of: در عوض ، به جای	receive: دریافت کردن	borrow: قرض گرفتن
Look for: جست و جو	explanation: توضیح	honestly: صادقانه	

### سوالات تستی از گرامر درس یک یازدهم

- I haven't eaten anything except ..... bread all day.  
1) one      2) a few      3) one slice of      4) two loaf of
- The storm has killed about ..... people and made thousands homeless.  
1) two hundred      2) two-hundred      3) two hundreds      4) two hundreds of
- She ..... be very thirsty. This is her third ..... of water.  
1) can - glass      2) can -glasses      3) must - glass      4) must - glasses
- Can you give me ..... advice on where to find a good hotel in Rome?  
1) a piece      2) a few      3) some      4) an
- We have had ..... communication problems, but now we are in a regular contact.  
1) a few      2) too much      3) a little      4) just one
- They moved ..... furniture out of the room before painting it.  
1) several big      2) all the      3) only a few      4) all piece of
- This castle is ..... old, but it's still in excellent condition.  
1) hundred years      2) a hundred year      3) hundreds year      4) hundreds of years
- Here's ..... information! ..... says that drinking green tea helps you to live longer.

- 1) a piece of interesting -A piece of paper                      2) an interesting piece of -A piece of paper  
3) a piece of interesting -The paper                              4) an interesting piece of -The paper  
9. I often ask my teacher for ..... when I have a big decision to make.  
1) advice                      2) an advice                      3) piece of advice                      4) some advices  
10. A: How much did you pay for your cell phone? 200 dollars?  
B: Oh, no, more than that. .... dollars.  
1) Two hundred and forty five                      2) Two hundred and forty-five  
3) Two hundreds forty five                      4) Two hundreds and forty - five  
11. Now that the children have left home, we've got ..... extra space.  
1) plenty                      2) a few                      3) a lot of                      4) many more  
12. That's the most exciting ..... news I ..... for a long time! Congratulations!  
1) a piece of - have heard                      2) piece of news - have heard  
3) a piece of - heard                      4) piece of news – heard

### درس دوم زبان انگلیسی یازدهم

### ماضی نقلی present perfect

ماضی نقلی به عملی اشاره دارد که در گذشته نامعلوم انجام شده است. زمان دقیق انجام عمل بر خلاف گذشته ساده را نداریم. غذا خورده‌ام

### ساختار ماضی نقلی:

### نشانه های ماضی نقلی + object + past participle + have/has + Subject

I have seen this film before.	من قبلا این فیلم را دیده ام.
You have seen this film before.	شما قبلا این فیلم را دیده اید.
We have seen this film before.	ما قبلا این فیلم را دیده ایم.
They have seen this film before.	انها قبلا این فیلم را دیده اند.
He has seen this film before.	او قبلا این فیلم را دیده است.
She has seen this film before.	او قبلا آن فیلم را دیده است.

نکته: برای سوالی کردن ماضی نقلی کافی است جای have, has را با فاعل عوض کنیم

Have they seen this film before?                      آیا آنها قبلا این فیلم را دیده اند؟

نکته: برای منفی کردن ماضی نقلی کافی است به have, has کلمه not را اضافه کنیم

He hasn't eaten his lunch yet.                      او هنوز نهارش را نخورده است.

موارد کاربرد حال کامل، ماضی نقلی:

I - برای بیان کاری یا عملی که در گذشته نامعلوم انجام شده است.

I have seen this film many times.                      من این فیلم را بارها دیده ام.

## 2- برای بیان کار یا عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته است. **since , for**

We have lived in this house for 12 years. طول مدت زمان + For  
ما برای دوازده سال هست که در این خانه زندگی میکنیم.

we have lived in this house since 2002. مبدا شروع زمان + Since  
ما از سال ۲۰۰۲ در این خانه زندگی میکنیم.

نکته: **for** برای طول دوره ی زمانی به کار می رود.  
for 2 hours/ 5 days/ a week/ 2 months /3 years

نکته: **since** به همراه عبارات مبدا شروع زمان به کار می رود.  
since two o'clock/ this morning / last week / 1998 /

نکته: اگر بعد از **since** جمله بیاید، معمولاً بصورت گذشته ساده و جمله قبل از آن حال کامل ( ماضی نقلی ) می باشد.  
I haven't played football since I moved to this city.  
من از وقتی که به این شهر آمده ام فوتبال بازی نکرده ام.

۳. برای بیان کار یا عملی که در گذشته نزدیک انجام شده . در چنین جملاتی ماضی نقلی به همراه قید های **just, recently, lately** می آید.  
They have just left home. اندکی قبل، چند لحظه پیش : Just  
آنها اندکی پیش خانه را ترک کرده اند.  
David has recently come back from Canada. اخیراً : Recently  
دیدید اخیراً از کانادا برگشته است.  
I have been very busy lately/recently. اخیراً : Lately  
من اخیراً خیلی مشغول بوده ام.

## ۴. با قیدهایی مانند **so far, up to now, until now** که به معنای تا کنون و نظایر آن نیز که ارتباط بین شروع عمل در گذشته و زمان حال را نشان میدهند، حال کامل به کار میبریم.

We have taken 3 tests **so far**. ما تاکنون سه تا امتحان داده ایم.  
We have had 20 Olympic Games **up to now**. تاکنون بیست بازی المپیک داشته ایم.  
I haven't finished my homework **yet**. هنوز تکالیفم را تمام نکرده ام.  
Has she finished her homework **yet**? آیا او تکالیفش را تمام کرده است؟  
I have **already** done my homework. من قبلاً تکالیفم را انجام داده ام.  
Have you **ever** been to Paris? No, I have **never** been there.  
آیا تاکنون در پاریس بوده ای؟ نه من هرگز آنجا نبوده ام.

I have met a lot of people **in /for the last few days**. در طول چند روز گذشته افراد زیادی را ملاقات کرده ام.

اغلب نشانه های زیر در آخر تست ها و سوالات ماضی نقلی دیده می شوند. .

recently= lately اخیرا

before , قبلا

so far = up to now = until now تاکنون

since then, since, از آن موقع

for + طول مدت زمان = برای

Yet, هنوز

in the past/ last few years, for the past/ last few years, در طول سالیان گذشته

#### افعال دو کلمه ای (phrasal verbs)

یکی از انواع دسته بندی ها در فعل ها زبان انگلیسی تقسیم بندی فعل ها به دو دسته تک کلمه ای و دو کلمه ای و بیشتر است. ما در این درس دسته دوم را افعال دو کلمه ای (phrasal verbs) می نامیم.

get away: در رفتن ، دور شدن

look after: مراقبت کردن از

hang out: بیرون رفتن، وقت گذراندن

get along with: ارتباط خوب داشتن

die out: منقرض شدن، از بین رفتن

put aside: کنار گذاشتن

Pass away: مردن، درگذشتن

give up: تسلیم شدن، ترک کردن

watch out = look out مراقب بودن

look forward to: مشتاقانه منتظر بودن

get around شیوع پیدا کردن

look up: پیدا کردن لغت در دیکشنری

keep off: وارد جایی نشدن، پرهیز کردن

rely on= depend on: متکی بودن به، وابسته بودن به

**اسم مصدر:** فعل ing داری که نقش اسم را ایفا کند اسم مصدر نام دارد. اسم مصدر همانند هر اسم دیگری می تواند سه نقش بپذیرد:

در این مثال فوتبال یک اسم می باشد. Football is my favorite sport.

در این مثال به این دلیل که یک فعل نقش اسم را ایفا میکند اسم مصدر یا جرنند نام دارد. Walking is my favorite hobby.

#### ۱. اسم مصدر در جایگاه و نقش فاعل

زمانی که فعل ing دار نقش اسم را ایفا کند و در جایگاه فاعل قرار گیرد. که در این صورت همواره فعل آن مفرد خواهد بود پس باید توجه شود که اگر در سوال یا تستی جایگاه فاعل جای خالی بود میتوان از اسم مصدر یعنی همان فعل ing استفاده کرد.

Jogging in the park for thirty minutes every day makes you healthy.  
پیاده روی در پارک به مدت سی دقیقه هر روز شما را سالم نگه میدارد.

Having dinner after 10:00 p.m. makes us overweight.  
شام خوردن بعد از ساعت ده شب باعث اضافه وزن میشود.

Teaching is a difficult job.  
تدریس کار دشواری است.

#### ۲. اسم مصدر در جایگاه و نقش مفعولی:

در این نقش معمولاً اسم مصدر بعد از افعال خاصی به کار میرود که به شرح زیر می باشند: بعد از افعال زیر فعل دوم به صورت ing می آید.

Enjoy	لذت بردن	finish	تمام کردن	give up	ترک کردن	imagine	تصور کردن	quit	ترک کردن	admit	پذیرفتن
Avoid	اجتناب کردن	carry	ادامه دادن	consider	در نظر گرفتن	delay	تاخیر داشتن	deny	تکذیب کردن		
dislike	دوست نداشتن	keep (on)	ادامه دادن	mind	از دست دادن	miss	تمرین کردن	practice	تمرین کردن	suggest	

He avoids eating unhealthy foods because of his weight.  
او از خوردن غذاهای ناسالم به خاطر وزنش اجتناب میکند.

I enjoy learning different languages.  
من از یادگیری زبان های مختلف لذت میبرم.

Do you mind opening the window?  
ایرادی نداره پنجره را باز کنید؟

۳. اگر بعد از فعل go فعل تفریحی سرگرمی، ورزشی به کار برود حتماً باید اسم مصدر یعنی فعل ing دار باشد. مانند:

go fishing / go skating / go sailing / go skiing / go jogging / go running / go swimming

She went shopping with her friends.  
او با دوستانش رفت خرید.

We didn't go swimming because it was cold.  
ما نرفتیم شنا چون هوا سرد بود.



#### ۴. نقش متممی (مفعول حرف اضافه ای)

همانطور که از اسم آن پیداست اگر بعد از حروف اضافه شکلی از فعل به کار برود حتما باید اسم مصدر باشد. یعنی بعد از همه حروف اضافه فعل به شکل ing- دار به کار می رود. تعدادی از حروف اضافه عبارتند از:

**at/ by/ for/ against/ after/ about/ for/ on/ in/ with/ without / from / before / after / near / ,...**

Helen was tired **of** cleaning her room.

هلن از تمیز کردن اتاقش خسته شده.

They were keen **on** solving different puzzles.

انها مشتاق حل کردن پازل های مختلف هستند.

#### مهمترین لغات درس دو زبان یازدهم

Healthy: سالم	lifestyle: سبک زندگی	higher education: تحصیلات عالی	improve: بهبود بخشیدن
laughter: خنده	hangout: وقت گذراندن با دوستان	frequency: تکرار	healthy diet: رژیم سالم
rarely: به ندرت	couch potato: تنبل	gain weight: وزن اضافه کردن	depressed: ناراحت
Heartbeat: ضربان قلب	blood pressure: فشار خون	heart attack: حمله قلبی	serving: پرس غذا
Harmful: مضر	habit: عادت	addiction: اعتیاد	addictive: اعتیاد آور
Physical: جسمی	mental: ذهنی	manner: رفتار	balanced: متعادل
Balanced diet: رژیم متعادل	contain: شامل	recent, recently: اخیرا، اخیر	emotional: احساسی
Prevent: جلوگیری کردن	disease: بیماری	behave: رفتار کردن	necessary: لازم، ضروری
Effective: موثر	take away: گرفتن	for a long time: واسه مدت طولانی	above all: مهمتر از همه
Predict: پیش بینی کردن	fully: کاملا	discuss: بحث کردن	disorder: بی نظمی
Homeless: بی خانمان	influence: تاثیر گذاشتن	for no good reason: بدون هیچ دلیل قانع کننده ای	
Attend: شرکت کردن	social event: رویداد های اجتماعی	properly: به طور مناسب	
Medical inventions: اختراعات پزشکی	cure: درمان کردن	health condition: وضعیت سلامتی	retire: بازنشسته شدن
Look back: به گذشته نگاه کردن	mission: ماموریت	check in: پذیرش گرفتن	look after: مراقبت کردن
Put on weight: وزن اضافه کردن	take part in: شرکت کردن	watch out: مراقب بودن	get away: فرار کردن
notices: اعلامیه ها	forbid, forbidden: ممنوع کردن	recreational: تفریحی	common: رایج
Confuse: گیج شدن، اشتباه گرفتن	rush: عجله کردن	sleep disorders: اختلالات خواب	seriously: به طور جدی

نمونه سوالات تستی از گرامر درس ۲ زبان یازدهم

1. There ..... a rise in temperature over the past few days.  
1) is                      2) was                      3) will be                      4) has been
2. I ..... Michel for years. Since we ..... babies, actually.  
1) know -are                      2) know - were                      3) have known - were                      4) have known - have been
3. We ..... able to find much about this metal so far, but we are still researching on it.  
1) aren't                      2) weren't                      3) won't be                      4) haven't been
4. I didn't actually see her - I .....  
1) heard her voice just                      2) just heard her voice  
3) just have heard her voice                      4) have just heard her voice
5. It's an old car but it ..... any trouble.  
1) causes me never                      2) has caused me never  
3) never has caused me                      4) has never caused me
6. Katie has ..... to the beach, but doesn't have the money for a plane ticket.  
1) always wanted to go                      2) never want going  
3) wanted always going                      4) ever wanted to go
7. He ..... the book he borrowed from the library.  
1) didn't still return                      2) still didn't return                      3) still hasn't returned                      4) hasn't still returned
8. I ..... — it must be somewhere else .  
1) haven't looked there yet                      2) have never looked there  
3) have always looked there                      4) have already looked there

درس ۳ زبان یازدهم

جملات شرطی If Clause

شرطی نوع صفر :

بیان کارهایی که به صورت طبیعی و صد در صد درست هستند. که معمولا در این جمله به جای if از when استفاده می شود و در هر دو جمله پایه و پیرو از زمان حال ساده استفاده می شود.  
مثال:

When you heat ice, it melts.                      وقتی که به یخ گرما دهیم ،ذوب میشود.

جمله شرطی به جمله ای گفته می شود که در آن انجام کاری به شرایطی بستگی دارد که باید در جمله مهیا شود تا کار انجام گیرد. مثال:

If I go to the library, I will take the book for you.

اگر به کتابخانه بروم ،کتابها را برایت میگیرم.

If the shop is open, I will buy a souvenir.

اگر مغازه باز باشد ، سوغات خواهم خرید.

### جملات شرطی نوع اول (First Type Conditional): این جملات از دو قسمت تشکیل می شوند.

جمله شرط: که با if شروع میشه و در جمله شرط فعل به صورت ساده می آید.

جواب شرط: در جواب شرط غالباً ما از will استفاده می کنیم

این جملات به یک عمل ممکن و انجام شدنی در زمان حال یا آینده اشاره دارند.

If you study more, you will pass your exam.

اگر بیشتر درس بخوانی ف امتحانت را پاس خواهی کرد.

به این دلیل که در جمله شرط فعل به صورت ساده آمده است در جواب شرط ما از will استفاده کردیم.

تکته: ما می توانیم جای جمله شرط و جواب شرط رو عوض کنیم با این تفاوت که کاما باید حذف شود.

You will pass your exam if you study more.

برای سوالی کردن این جملات کافی است جای will را با فاعل قبل از خود عوض کنیم.

If you study more, will you pass your exam?

Will you pass your exam if you study more? این شکل سوالی در جملات شرطی رایج تر است.

در جواب شرط میشود به جای will با توجه به معنی که می خواهیم انتقال دهیم از افعال وجهی دیگر مانند Can, must, should, may, have to, has to استفاده کرد.

If a student wants to become a doctor, he must study hard.

اگر یک دانش آموز میخواهد پزشک شود ، باید سخت تلاش کند.

I can speak Spanish fluently if I practice it.

مستوانم اسپانیایی را روان صحبت کنم اگر ان را تمرین کنم.

If you want to lose weight, you should exercise regularly.

اگر میخواهی وزنت را کم کنی، باید به طور منظم ورزش کنی.

برای منفی کردن شرطی نوع اول اگر بخواهیم جمله شرط را منفی کنیم از don't, doesn't استفاده میکنیم.

اما اگر بخواهیم جواب شرط را منفی کنیم کافی است not را به will اضافه کنیم. Will not = won't

If it rains, we will stay home.

اگر باران بیاید ما خانه خواهیم ماند.

If it doesn't rain, we won't stay home.

اگر باران نیاید ما خانه نخواهیم ماند.

If it rains, we won't go out.

اگر باران بیاید ما بیرون نخواهیم رفت.

If he doesn't invite us, we won't go to his party.

اگر او ما را دعوت نکند ما به مهمانی او نخواهیم رفت.

نکته کنکور. کلمه unless هم معنی if not می باشد.

Unless = if I don't= if she doesn't, if you don't, if they don't,.....

If she doesn't study hard, she won't be a doctor.

اگر او سخت درس نخواند پزشک نخواهد شد.

Unless she studies hard, she won't be a doctor.

مگر اینکه او سخت درس بخواند، وگرنه پزشک نخواهد شد.

جملات شرطی نوع دوم

این جملات به یک عمل تخیلی و غیر واقعی در زمان حال اشاره دارند.

در شرطی نوع دوم در جمله شرط فعل به صورت گذشته ساده می آید و در جواب شرط ما از Would, could استفاده می کنیم.

If I had a million dollar, I would/could buy a Porsche.

اگر یک میلیون دلار داشتم ، یک خودرو پورشه میخریدم.

If I were you, I would try more.

اگر به جای تو بودم بیشتر تلاش میکردم.

They would become healthier if they lived in a village.

آنها سالم تر میشدند اگر در یک روستا زندگی میکردند.

برای سوالی کردن شرطی نوع دوم کافی است جای would با فاعل رو عوض کنیم.

Would you travel to Germany if you had enough money?

آیا به آلمان سفر میکردی اگه پول کافی داشتی؟

What would you do if you had wings?

چیکار میکردی اگه بال داشتی؟

برای منفی کردن شرطی نوع دوم اگر بخواهیم قسمت if را منفی کنیم از didn't استفاده میکنیم اما اگر بخواهیم جواب شرط را منفی کنیم به

would not اضافه میکنیم. Wouldn't

If I had enough money, I wouldn't live in this house now.

اگه الان پول کافی داشتم توی این خونه زندگی نمیکردم.

If you didn't help me out, I couldn't finish my article well.

اگر بهم کمک نمیکردی نمیتوانستم مقاله ام را به خوبی تمام کنم.

نکته کنکور . اگر بخواهیم در جمله شرطی نوع دوم مفهوم "بودن" یعنی was, were را بیان کنیم حتما باید از were برای همه ی فاعل

ها یعنی I, you, we, they, he, she, it استفاده کنیم.

If I were you, I would study more.

اگر به جی تو بودم، بیشتر درس میخواندم.

If my mother were here, she could help me.

اگر مادرم اینجا بود ، میتواندست کمک کند.

## وجه وصفی حال و گذشته به عنوان صفت

**وجه وصفی حال (صفت فاعلی) (Present Participle)**

این نوع وجه وصفی با افزودن -ing به انتهای فعل‌ها تشکیل می‌شود.

confuse گیج کردن      confusing گیج کننده  
amuse سرگرم کردن      amusing سرگرم کننده

وجه وصفی حال به عنوان صفت فاعلی می‌تواند قبل از اسم قرار گیرد.

یہ فیلم کسل کننده تماشا کردم۔  
دانش آموزان مسئلہ خیلی سختی حل کردند۔

وجه وصفی حال به عنوان صفت فاعلی می‌تواند بعد از افعال ربطی قرار گیرد.

The book was interesting.      کتاب جالب بود.  
The dog seemed frightening.      سگ ترسناک به نظر میرسید.

**افعال ربطی به شرح زیر می باشند:**

be (بودن) become (شدن) get (شدن) turn (شدن) seem (به نظر رسیدن) sound (به نظر آمدن)  
appear (به نظر رسیدن) remain (باقی ماندن) stay (ماندن) grow (شدن)

**وجه وصفی گذشته (صفت مفعولی) (Past Participle)**

همانند فعل‌های زمان گذشته به دو دسته باقاعده و بی‌قاعده تقسیم می‌شوند. صفات مفعولی باقاعده با اضافه شدن **ed** به انتهای فعل‌ها تشکیل می‌شوند. و صفات مفعولی بی‌قاعده را باید حفظ کرد.

An educated man (یک مرد تحصیل کرده)  
A broken window (یک پنجره شکسته)

این صفت‌ها نیز مانند صفات فاعلی قبل از اسم و بعد از افعال ربطی به کار می‌روند.

### تفاوت بین صفت‌های فاعلی و مفعولی

صفت‌های فاعلی الفاعلکننده، اثرگذار یا ایجادکننده حالتی هستند، در حالیکه صفات مفعولی پذیرنده حالتی می‌باشند.

The film was boring, so we got bored. (فیلم خسته‌کننده بود (دارای حالت) بنا بر این حوصله ما سررفت. (پذیرای حالت)

معمولاً برای موصوف‌های انسان از صفات مفعولی و برای غیر انسان‌ها از صفات فاعلی استفاده می‌شود.

البته در این درس بیشتر به کاربرد صفات مفعولی اشاره شده و ترکیب آنها با حروف اضافه های خاص یا ترکیبات ویژه مورد تاکید قرار گرفته اند.

مثال:

bored with, depressed about, frightened to death, interested in, surprised at, tired of, ....

### کاربرد مصدر در نگارش

در درس گذشته اسم مصدر را مورد مطالعه قرار دادیم. در این درس به بررسی مصدر می پردازیم. در زبان انگلیسی دو نوع مصدر وجود دارد که عبارتند از مصدر با علامت (to) و مصدر بدون علامت (to) کاربرد مصدر با **to** : از این مصدر می توان در نقش های مختلفی در جمله ها استفاده کرد:

۱. در نقش فاعل: همانند اسم مصدر (gerund)، مصدر با **to** هم می تواند نقش نهاد یا فاعل جمله را ایفا کند و از نظر معنایی تفاوتی بین کاربرد مصدر و اسم مصدر در این مورد وجود ندارد و فعل چنین فاعلی همیشه مفرد است. مثال:

**To learn English** is as difficult as any other skill.

یادگیری زبان انگلیسی مانند هر مهارت دیگری دشوار است.

**Learning English** is as difficult as any other skill. (More natural)

۲. به عنوان مفعول: بعد از بعضی از افعال خاص: بعد از افعال پایین فعل دوم به صورت مصدر با **to** می آید.

انتخاب کردن Choose	انتظار داشتن expect
تصمیم گرفتن decide	به یاد آوردن remember
خواستن want	سعی کردن try
قول دادن promise	تلاش کردن attempt
فراموش کردن forget	موافق بودن agree
منتظر ماندن wait	یاد گرفتن learn

Their house is small. They have decided to sell it.

خانه آنها کوچک است. تصمیم به فروش آن گرفته اند.

۳. بعد از تعدادی از اصطلاحات و ترکیبات مانند:

**the first, the last, the next**

He was the first **to fly** in a spaceship.

او اولین کسی بود که با سفینه فضایی پرواز کرد.

Peter was the last **to watch** the film.

پیتر آخرین نفری بود که این فیلم را تماشا کرد.

۴. بعد از انواع صفات به جز **busy** و **worth (y)**

I'm happy **to be** here.

خوشحالم که اینجا هستم.

It's better **not to smoke**.

بهتر است سیگار نکشید.

۵. بعد از کلمات سوالی مانند **when, where, what** که در وسط جمله می آیند.

I don't know what **to say**.

نمیدونم چی بگم.

Can you tell me how **to get** to the bus stop?

میشه بگید چطوری باید به ایستگاه اتوبوس برم؟

۵. برای بیان هدف از انجام کاری از ساختار مصدر با to استفاده میکنیم.

I went out to walk in the park. رفتم بیرون تا تو پارک قدم بزنم.

۶. برای منفی کردن مصدرهای با to کافی است not را قبل از to قرار دهیم.

I decided not to eat fast food anymore. تصمیم گرفتم دیگر فست فود نخورم.

### مهمترین لغات درس سه یازدهم

Creative: خلاق	sociable: اجتماعی	calligraphy: خوشنویسی	tilework: کاشی کاری
Collection: مجموعه	cheerful: شاد	uncertain: مردد	hopeful: امیدوار
Proud: مفتخر، مغرور	depend on: وابسته بودن به	how touching: چقدر تاثیر گذار	discount: تخفیف
Product: محصول	handicraft: صنایع دستی	workshop: کارگاه	well done: عالی
Decorative: تزیینی	vast, vastly: به طور گسترده	weave: بافتن	unique: منحصر به فرد
Diversity: تنوع	custom: رسم	reflect: انعکاس دادن	humankind: بشر
appreciate: قدر دانی	value: ارزش گذاشتن	imagination: تخیل	skillful: ماهرانه
economy: اقتصاد	income: درآمد	recognize: تشخیص دادن، شناختن	refer to: دلالت بر
Satisfy with: راضی	bored with: کسل از	amused by: سرگرم	confused: گیج
Results: نتایج	frighten to death: تا حد مرگ ترسیدن	I will be honored to help: باعث افتخارم که کمک کنم	
Achieve: رسیدن	achievement: موفقیت	participate: شرکت کردن	charity: خیریه
For instance: برای مثال	expect: انتظار داشتن	attempt: تلاش کردن	make mistake: اشتباه کردن
Wellness: سلامتی	get along with: کنار آمدن، ارتباط خوبی داشتن	ashamed: شرمند	

### کتاب کار یازدهم

afraid of: ترسیدن از	label: برچسپ زدن	confident: دارای اعتماد به نفس	have access to: دسترسی به
proportion: مقدار، میزان	miracle: معجزه	as well: هم چنین	in particular=particularly: به ویژه
various: متنوع	socialize: اجتماعی کردن	device: وسیله	specialist: متخصص
Avoid: اجتناب کردن	limit: محدود کردن	depression: افسردگی	addict: معتاد
Worthy: با ارزش	minerals: مواد معدنی	do you mind: زحمتتون نمیشه اگه	shared beliefs: باورهای مشترک
Attitude: نگرش	according to: بر اساس	public transportation: حمل و نقل عمومی	advise: نصیحت کردن

سوالات تستی از گرامر درس ۳ یازدهم

1. You should avoid ..... when you have an illness that makes it hard for you ..... quickly.

- 1) driving - to act    2) to drive - to act    3) driving - acting    4) to drive - that act

2. The little girl was very rude; she kept ..... and then threw food all over the floor.

- 1) to shout    2) shouted    3) shouting    4) shout

3. Would you mind ..... after my bag for a moment while I buy a ticket?

- 1) look    2) looking    3) to look    4) that look

4. .... your hands regularly is a good way to prevent ..... some diseases.

- 1) Wash - catching    2) Wash - catch    3) To wash - that catch    4) Washing - catching

5. Try ..... - after all, what's the use of worrying?

- 1) to not get depressing    2) not to get depressing  
3) not to get depressed    4) to not getting depressed

6. Recently I ..... very ..... in photography.

- 1) got - interested    2) have got - interested    3) got - interest    4) have got - interesting

7. When you are tired ..... hard, a vacation can be .....

- 1) of working - relaxing    2) to work - relaxing  
3) with working - relaxed    4) to work - relaxed

8. .... in Africa was an ..... experience. There was always something new to see or do.

- 1) Living - interest    2) Live - interested  
3) Living - interesting    4) To live - interested

9. She talked to me very rudely, but I tried ..... myself and not to say anything.

- 1) to control    2) control    3) that control    4) controlling

47. His search was too repetitive; he just kept ..... the same thing over and over again.

- 1) to say    2) to saying    3) that say    4) saying

10. Reza gave up ..... to find a job in this country and decided ..... abroad.

- 1) trying - going    2) trying - to go    3) try - going    4) to try - that go

11. He is one of the most ..... people I've ever met. He never stops .....

- 1) boring - talking    2) boring - to talk    3) bored - talking    4) bored - to talk

12. I ..... his books when I was at school. I enjoyed ..... them very much.

- 1) read - reading    2) read - to read    3) have read - reading    4) was reading - to read

13. The doctor advised him ..... too much salt.

- 1) to avoid eating    2) avoid eating    3) that avoid to eat    4) to avoid from eating

14. After flying for many hours, we finally ..... the airplane and went to the baggage

reclaim area.

- 1) gave up    2) checked out    3) got off    4) took away

15. ....! You're going to hit that car!

- 1) Hurry up    2) Watch out    3) Keep on    4) Check out



سوالات تستی از لغات کل کتاب یازدهم.

1. The teacher asked us to reflect on our grade and make a plan for improving it. The word “reflect” in this sentence means .....  
1) think      2) explain      3) emphasize      4) attempt
2. Every region’s linguistic and cultural ..... is quite different from that of the rest of the country.  
1) income      2) economy      3) custom      4) identity
3. The book is certainly very rare, and possibly .....  
1) popular      2) touching      3) unique      4) available
4. We ..... as soon as we got to the hotel, then went out for a walk.  
1) quit      2) exchanged      3) disappeared      4) unpacked
5. The distance between Earth and the Moon is considerable for us to consider, but it is almost nothing compared to the true ..... of space.  
1) diversity      2) vastness      3) relationship      4) imagination
6. You can make your room warm and welcoming by adding some ..... details.  
1) valuable      2) imaginary      3) emotional      4) decorative
7. Does television satisfactorily reflect the religious and cultural ..... of the country?  
1) collection      2) diversity      3) attempt      4) mission
8. If someone does something nice for you, you should act thankfully around them, showing your ..... for their efforts.  
1) attempt      2) wellness      3) decision      4) appreciation
9. I didn’t want to bring two bags on my vacations, but the first one was full when I still had more clothes to .....  
1) label      2) store      3) pack      4) check
10. I hoped that the store would give me a ....., but I ended up paying full price.  
1) discount      2) booklet      3) handshake      4) chance
11. It was a touching story that moved many of us to tears. “Touching” means .....  
1) very special or unusual      2) making you feel excited  
3) making you feel emotional      4) funny and enjoyable
12. Shoemaking was once a ....., and was respected in the days when shoemakers made boots by hand.  
1) workshop      2) custom      3) calligraphy      4) handicraft
13. Exercise can give people a real sense of achievement and make them feel .....  
1) emotional      2) proud      3) touching      4) sociable
14. Some ..... still exists about the safety of the new drug.  
1) excitement      2) uniqueness      3) dishonesty      4) uncertainty
15. Turn that sad music off and put on something cheerful. “Cheerful” means .....  
1) very useful or important      2) enjoying spending time with other people  
3) liked by a large number of people      4) giving you a feeling of happiness
16. Mike is often out of the office on different .....  
1) stages      2) missions      3) events      4) conditions

17. Exercising to keep a healthy weight decreases a person's risk of ..... certain diseases, including high blood pressure.  
 1) recognizing      2) producing      3) developing      4) achieving
18. I was in such a rush this morning that I didn't have time for breakfast. "Rush" means .....  
 1) anger      2) hurry      3) shortage      4) danger
19. Police are advising people to stay at home until weather ..... improve.  
 1) patterns      2) conditions      3) records      4) data
20. The work on the bridge was completed under very difficult conditions. At one ..... we almost gave up completely.  
 1) stage      2) case      3) event      4) mission
21. How do you explain her ..... at the party last night? She was rude to almost everybody she talked to, which isn't like her.  
 1) style      2) emotion      3) behavior      4) relationship
22. I haven't had time to go into details, so this is just a brief report of ..... from the Festival.  
 1) patterns      2) events      3) stages      4) attempts
23. The doctors are doing all that they can, but she's still not breathing .....  
 1) probably      2) exactly      3) fluently      4) properly
24. Young people are often ..... by their friends, but they usually learn most of their values at home.  
 1) compared      2) followed      3) influenced      4) prevented
25. We can ..... exercising ; no matter we are young or old.  
 1) enjoy      2) meet      3) achieve      4) seek
26. Humor can be an effective way to amuse your students, or just help to keep their ..... on you.  
 1) emotion      2) emphasis      3) attention      4) purpose
27. Some people feel that extra vitamins are effective in curing or preventing diseases.  
 "Effective" is the synonym of .....  
 1) natural      2) helpful      3) necessary      4) possible
28. Friendly and kind manner can help a teacher to build a warm and positive ..... with the students.  
 1) experience      2) image      3) relationship      4) aspect
29. She gets very ..... whenever she talks about her husband's death.  
 1) unsafe      2) harmful      3) surprised      4) emotional
30. He had such a(n) ..... cigarettes that he smoked 40 a day, and could never imagine stopping.  
 1) influence on      2) recreation for      3) confidence in      4) addiction to

## درس یک دوازدهم

### وجه مجهول (Passive voice)

جملاتی که در آنها فاعل انجام دهنده کار است و بعد از فعل جمله مفعول یعنی دریافت کننده عمل وجود دارد جملات معلوم هستند در صورتی که در جملات مجهول فاعل جمله دریافت کننده عمل است و انجام دهنده کار یا نداریم و یا اگر داریم اهمیت ندارد.

The mechanic fixed the car yesterday. معلوم

دیروز مکانیک ماشین را تعمیر کرد.

The car was fixed yesterday. مجهول

ماشین دیروز تعمیر شد.

### در چند مورد استفاده از ساختار مجهول ضرورت دارد:

۱. در صورتی که فاعل مشخص نباشد.

The tree should be cut. (درخت باید بریده شود.)

۲. مفعول نسبت به فاعل اهمیت بیشتری دارد.

A new building will be built here. (ساختمان جدیدی در اینجا بنا خواهد شد.)

۳. بنا به دلیلی از ذکر فاعل خودداری می شود.

The police were informed of the bank robbery. (پلیسها از سرقت بانک آگاه شدند.)

### در تبدیل کردن جملات معلوم به مجهول باید نکات زیر را مورد توجه قرار دهیم.

۱. مفعول جمله معلوم را در اول جمله مجهول قرار می دهیم. به اسم یا ضمیر یا هر دو که بعد از فعل آمده باشد مفعول می گوئیم.

۲. با توجه به زمان جمله معلوم فعل **to be** متناسب را بعد از مفعول قرار می دهیم. **am/is/are** برای زمان حال ساده، **was/were** برای زمان گذشته ساده، **be** برای افعال کمکی ناقص (modals) و مصدرها، **been** برای ماضی نقلی و بعید و **being** برای زمانهای استمراری.

۳. اسم مفعول (p.p.) فعل اصلی جمله معلوم را بعد از فعل **to be** قرار می دهیم. اسم مفعول با قاعده با اضافه کردن **-ed** به انتهای مصدر بدون **to** تشکیل می شود و اسم مفعول بی قاعده حفظ کردنی است.

۴. فاعل جمله معلوم را هم می توانیم در انتهای جمله بعد از حرف اضافه **by** قرار دهیم که در تست میتواند نشانه جمله مجهول باشد. قیدها در معلوم یا مجهول بودن جمله ها تاثیری ندارند و در همان جای مشخص خود در جمله ها به کار می روند.

### ۱. زمان حال ساده جملات معلوم و مجهول:

جمله معلوم He cleans the room once a week.

او هفته ای یک بار اتاق را تمیز می کند.

### (Past Participle) شکل سوم فعل + am /is / are + مفعول جمله ی معلوم

### ساختار جمله مجهول زمان حال ساده

جمله مجهول The room is cleaned once a week.

اتاق یک بار در هفته تمیز می شود.

### نکته کنکور: تفاوت مهم جملات معلوم و مجهول در دو نکته است:

۱. در جملات معلوم فاعل انجام دهنده ی کار است و بعد از فعل یا جای خالی در تست ها مفعول یعنی دریافت کننده عمل وجود دارد.

۲. در جملات مجهول فاعل دریافت کننده ی عمل است و بعد از فعل یا جای خالی در تست مفعول یعنی دریافت کننده عمل وجود ندارد.

### نکته بسیار مهم: ویژگی های زمان حال ساده که به شرح زیر می باشند:

۱. به یک عمل روتین، تکراری، و همیشگی اشاره دارد. مثلا سالی دو بار سفر رفتن.....

۲. فعل به صورت ساده می آید. یعنی فعل اصلی به صورت ساده می آید.

۳. در تست ها نشانه هایی از قبیل کلمات زیر نشان دهنده زمان حال ساده می باشند.

Every day, every... , Once a week, once..., Twice a month,..., Each year, on Fridays,.....

A lot of cars .....in this company each year.

a. produce                      b. is produced                      c. are produced                      d. were produced

گزینه درست c می باشد به این دلیل که زمان جمله حال ساده می باشد و بعد از جای خالی در تست مفعول وجود ندارد و فاعل جمله دریافت کننده ی عمل می باشد پس جمله مجهول حال ساده است.

### ۲. زمان گذشته ساده جملات معلوم و مجهول:

معلوم The mechanic fixed the car yesterday.

دیروز مکانیک ماشین را تعمیر کرد.

### (شکل سوم فعل) P.P. + was/were + مفعول جمله معلوم

### ساختار مجهول زمان گذشته ساده

مجهول The car was fixed yesterday.

ماشین دیروز تعمیر شد.

زمان گذشته ساده:

۱. این زمان به عملی اشاره دارد که در گذشته انجام شده و تمام شده.

۲. زمان دقیق انجام عمل مشخص می باشد. مثلا کلمات yesterday, last night در آخر جملات.

۳. فعل یا ed میگیره یا گذشته بی قاعده هست مثلا cleaned یا built.

۴. غالبا این نشانه ها در آخر تست های این زمان وجود دارد.

Yesterday, Last year, last week, last month, Three years ago... , In 2002, When I was a kid

That beautiful bridge..... by the best engineers two year ago.

a. is built   b. was built   c. built   d. were built

جواب درست گزینه b می باشد چرا که جمله ما مجهول گذشته ساده هست.

۳. زمان ماضی نقلی جملات معلوم و مجهول:  
ساختار مجهول زمان ماضی نقلی ( حال کامل )

(شکل سوم فعل) P.P. + have / has + been + مفعول جمله ی معلوم

زمان ماضی نقلی به عملی اشاره دارد که در گذشته نامعلوم انجام شده یعنی ما زمان دقیق انجام عمل را بر خلاف گذشته ساده نداریم.

اغلب نشانه ی های زیر در آخر تست ها و سوالات ماضی نقلی دیده می شوند.

recently= lately اخیرا

before قبلا

so far = up to now = until now تاکنون

since then هنوز, yet, for, since, از آن موقع به بعد

in the past/ last few years, for the past/ last few years در طول سالیان گذشته

He has completed his report recently.

او اخیرا گزارش خود را تکمیل کرده است.

His report has been completed recently.

گزارش او به تازگی تکمیل شده است.

The company has started a new branch lately.

این شرکت اخیرا شعبه جدیدی راه اندازی کرده است.

A new branch has been started by the company lately.

اخیرا شعبه جدیدی توسط این شرکت راه اندازی شده است.

The old museum in London ..... for the past few years.

- a. hasn't repaired      b. wasn't repaired      c. hasn't been repaired      d. isn't repaired

گزینه صحیح c می باشد چرا که در این سوال به ساختار مجهول ماضی نقلی احتیاج داریم.

#### ۴. زمان حال استمراری جملات معلوم و مجهول:

به عملی اشاره دارد که در لحظه صحبت در حال انجام است. در واقع استمرار و ادامه دار بودن عمل در لحظه صحبت کردن مورد توجه می باشد.

#### ساختار مجهول زمان حال استمراری

(شکل سوم فعل) + P.P. + am/ is /are + being + مفعول جمله معلوم

He is making a large building.

او در حال ساخت یک ساختمان بزرگ است.

A large building is being made.

یک ساختمان بزرگ در حال ساخت است.

Ali is typing a letter.

علی در حال تایپ نامه است.

A letter is being typed by Ali.

نامه ای توسط علی در حال تایپ است.

#### ۵. زمان گذشته استمراری جملات معلوم و مجهول:

به عملی اشاره دارد که در گذشته در زمان معینی برای مدتی ادامه دار بوده است. در واقع گذشته استمراری اشاره به عمل تمام شده در گذشته ندارد بلکه بر استمرار آن عمل در زمان مشخصی تاکید دارد.

#### ساختار مجهول گذشته استمراری

(شکل سوم فعل) + P.P. + was /were + being + مفعول جمله معلوم

Mary was cooking lunch for the family at 11 a.m. yesterday.

مریم ساعت ۱۱ صبح دیروز برای خانواده ناهار درست می کرد.

Lunch was being cooked for the family by Mary.

ناهار توسط مریم برای خانواده درست می شد.

He was writing a letter.

داشت نامه می نوشت.

A letter was being written by him.

نامه به وسیله او در حال نوشتن بود.

## ۶. زمان ماضی بعید جملات معلوم و مجهول:

ماضی بعید اشاره به عملی دارد که در گذشته قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده است. به عبارت دیگر اگر دو عمل در گذشته اتفاق افتاده باشد ماضی بعید عمل دورتر می باشد.

### ساختار مجهول ماضی بعید

(شکل سوم فعل) P.P. + had + been + مفعول جمله معلوم

The mechanic had repaired the car when I arrived.

وقتی من رسیدم مکانیک ماشین را تعمیر کرده بود.

The car had been repaired when I arrived.

وقتی رسیدم ماشین تعمیر شده بود.

The teacher had informed us about our scores.

معلم نمرات ما را به ما اطلاع داده بود.

We had been informed about our score by the teacher.

نمره ما توسط معلم به ما اطلاع داده شده بود.

## ۷. زمان آینده ساده جملات معلوم و مجهول:

(اسم مفعول) P.P. + be + will /shall /be going to + مفعول جمله معلوم

Mary will type the report tomorrow.

مری فردا گزارش را تایپ خواهد کرد.

The report will be typed tomorrow.

گزارش فردا تایپ می شود.

They will complete the project next month.

ماه آینده پروژه را تکمیل خواهند کرد.

The project will be completed next month.

این پروژه در ماه آینده تکمیل خواهد شد.

## ۸. مجهول افعال کمکی ناقص modal :

P.P. + be + has to/ had to/ should/must/could/might / may, could/ can + مفعول جمله معلوم

You must finish your homework.

شما باید تکالیف خود را تمام کنید.

Your homework must be finished.

تکالیف شما باید تمام شود.

They should give the bicycle to us.

باید دوچرخه را به ما بدهند.

The bicycle should be given to us.

دوچرخه باید به ما داده شود.

### جمله سوال کوتاه (short question) در انتهای جملات خبری

به این سوالات tail phrase به معنی "دُم سوالی" یا question tag به معنی "سوالی کوتاه" هم گفته می‌شود.  
سوالی کوتاه جمله‌ی پرسشی کوتاهی است که در انتهای یک جمله‌ی خبری می‌آید و هدف آن تاکید بر روی آن خبر یا کسب اطمینان گوینده از نظر شنونده می‌باشد.

او می‌تواند در امتحاناتش قبول شود. نمی‌تواند؟  
He can pass his exams, can't he?  
او دانش‌آموز بدی نیست. هست؟  
He is not a bad student, is he?

### برای ساختن یک سوالی کوتاه دانستن نکات زیر ضروری است:

۱. اگر جمله خبری فعل کمکی داشته باشد، در سوالی کوتاه از همان فعل کمکی استفاده می‌کنیم.

Your friends are students, aren't they?

دوستان شما دانشجو هستند، اینطور نیست؟

۲. اگر جمله خبری مثبت باشد سوالی کوتاه باید منفی باشد و برعکس. (به وجود کلمات منفی‌ساز توجه کنید).

He will call you, won't he?

او با شما تماس خواهد گرفت، نه؟

He can never pass such a difficult test, can he?

او هرگز نمی‌تواند چنین آزمون سختی را پشت سر بگذارد، می‌تواند؟

۳. در جمله سوالی کوتاه حتما پس از فعل کمکی از ضمیر استفاده می‌شود خواه فاعل جمله خبری اسم یا ضمیر باشد.

Your grandfather is living in a village, isn't he?

پدربزرگ شما در یک روستا زندگی می‌کند، اینطور نیست؟

۴. برای I am در سوالی کوتاه از Aren't I استفاده می‌شود.

I am your friend, aren't I?

من دوست شما هستم، اینطور نیست؟

۵. برای جمله‌های امری، خواهشی و دستورات منفی فقط از will you استفاده می‌شود.

Don't open the window, will you?

پنجره رو باز نکن، ممکنه؟

Open the window, will you?

پنجره رو باز کنف ممکنه؟

۶. برای let's از shall we استفاده می‌شود و برای Let us مانند دستورات و امری‌ها عمل می‌شود.

Let's take a taxi, shall we?

بیا تاکسی بگیریم، ممکنه؟

Let us try once more, will you?

اجازه دهید یک بار دیگر امتحان کنیم، ممکنه؟



۷. اگر فاعل جمله خبری nothing باشد در سوالی کوتاه از ضمیر it استفاده می شود و برای nobody و no one از ضمیر they استفاده می شود.

Nothing can help her, can it?

هیچ چیز نمی تواند به او کمک کند، اینطور نیست؟

Nobody can help her, can they?

هیچ کس نمی تواند به او کمک کند، می تواند؟

۸. برای ضمیرهای someone, somebody, everyone, everybody در سوالی کوتاه از ضمیر they استفاده می شود.

Everybody is present, aren't they?

همه حضور دارند، اینطور نیست؟

Somebody is calling, aren't they?

یکی داره زنگ میزنه، اینطور نیست؟

۹. برای ضمیرهای اشاره this, that از ضمیر it در سوالی کوتاه و برای those و these از they استفاده می شود.

This is your car, isn't it?

این ماشین شماست، اینطور نیست؟

Those are your friends, aren't they?

آنها دوستان شما هستند، اینطور نیست؟

۱۰. برای there از خود کلمه there در سوالی کوتاه استفاده می شود.

There is a cat in that room, isn't there?

یک گربه در آن اتاق است، اینطور نیست؟

۱۱. اگر جمله ای فعل کمکی نداشته باشد با توجه به زمان فعل آن جمله برای زمان حال ساده از do/does و برای زمان گذشته ساده از did استفاده می شود.

Your brother went to a movie yesterday, didn't he?

برادرت دیروز به سینما رفت، اینطور نیست؟

You know English well, don't you?

شما انگلیسی را خوب می دانید، اینطور نیست؟

She goes to work on weekdays, doesn't she?

او در روزهای هفته سر کار می رود، اینطور نیست؟

۱۲. برای have to/has to / had to مانند جمله های بدون فعل کمکی عمل می شود.

You had to see a doctor, didn't you?

باید به دکتر مراجعه می کردی، اینطور نیست؟

He has to pass the final exam, doesn't he?

او باید امتحان نهایی را بدهد، اینطور نیست؟

They have to wear uniforms at school, don't they?

آنها باید در مدرسه لباس فرم بپوشند، اینطور نیست؟

۱۳. در مورد جمله های پیچیده غالباً برای جمله پایه سوالی کوتاه می سازیم مگر اینکه فعل جمله پایه (I think, I guess,...) یا مترادف های آنها باشد.

He said that they were not present in the meeting, didn't he?

او گفت که آنها در جلسه حضور نداشتند، اینطور نیست؟

I think they are a little late, aren't they?

فکر کنم کمی دیر کرده اند، اینطور نیست؟

۱۴. اگر در جمله خبری قید های منفی ساز یعنی never, hardly, rarely, seldom, scarcely هرگز منفی یا صفات کمی با مفهوم منفی یعنی no, few, little و یا ترکیبات این صفات کمی یعنی nobody, nothing قرار گیرند دنباله ی سوالی باید مثبت باشد.

He never eats out these days, does he?

او این روزها هرگز بیرون غذا نمی خورد، درست است؟

They rarely do daily exercise, do they?

آنها به ندرت ورزش روزانه انجام می دهند، درست است؟

۱۵. جمله واره های اسمی که با عبارات I think, I believe, I suppose, I know,.....

شروع میشوند دنباله ی سوالی آنها باید بر اساس جمله دوم ساخته شود.

I think he will come soon, won't he?

من فکر می کنم او به زودی می آید، اینطور نیست؟

اما همین جملات اگر جمله اول منفی باشد دنباله سوالی باید مثبت باشد.

I don't think he will come today, will he?

فکر نمی کنم امروز بیاید، درست است؟

I don't believe that the students study hard these days, do they?

من باور نمی کنم که دانش آموزان این روزها سخت درس می خوانند، اینطور نیست؟

نکته خیلی مهم راجع به این جملات این است که اگر فاعل این جملات I نباشد دنباله ی سوالی باید بر اساس جمله اول ساخته شه.

He thinks we should study more, doesn't he?

او فکر می کند ما باید بیشتر مطالعه کنیم، اینطور نیست؟

You don't know where we should go, do you?

نمیدونی کجا باید برویم، درسته؟

از همین نکته این تست کنکور سال ۹۸ رو بررسی میکنیم

Jane believes that her team member easily won the game because they are familiar with team work?..... ,

- a. aren't they
- b. didn't they
- c . didn't she
- d. doesn't she

همانطور که گفتیم به این دلیل که جمله با She believes شروع شده دنباله ی سوالی از همون جمله اول ساخته میشه پس گزینه d درست هست.

۱۶. یکی از مهمترین نکات مطلب دنباله ی سوالی در جمله واره های قیدی که غالبا یک طرف جمله کلمات

When, after, before, until, if,...

باشد دنباله ی سوالی باید از جمله ی ساخته شود که جمله ی پایه یا جمله ی اصلی نام دارد. که در واقع جمله ای بعد از این کلمات نیست چرا که جمله بعد از این کلمات جمله پیرو و وابسته نام دارد.

Reza had finished his homework, when his parents arrived, hadn't he?

رضا تکالیفش را تمام کرده بود که پدر و مادرش آمدند، اینطور نیست؟

If you study hard, you will be a doctor, won't you.

اگر سخت درس بخوانی، دکتر می شوی، اینطور نیست؟

و یا اگر جمله شامل جمله واره های وصفی باشد دنباله ی سوالی از جمله واره های وصفی نباید ساخته شود و باید از جمله پایه ساخته شود.

The man who lives here is a police officer, isn't he?

مردی که اینجا زندگی می کند افسر پلیس است، اینطور نیست؟

خوب همانطور که این مطلب در گرامر درس دوم دوازدهم هم توضیح داده خواهد شد جمله واره بعد از ضمیر موصولی یعنی who که اسم قبل خود را توصیف میکند جمله واره موصولی نام دارد و دنباله ی سوالی نباید بر اساس آن ساخته شود چرا که جمله پیرو است.

Who lives here

و دنباله سوالی باید بر اساس جمله پایه ساخته شه

Is a police officer

۱۷. اگر have, has, had فعل اصلی باشند در سوالی کوتاه باید به ترتیب از do, does, did استفاده کنیم.

He has a beautiful house in downtown, doesn't he?

او یک خانه زیبا در مرکز شهر دارد، اینطور نیست؟

They have a lot of relatives in this village, don't they?

آنها در این روستا اقوام زیادی دارند، اینطور نیست؟

She had some good friends at school, didn't she?

او دوستان خوبی در مدرسه داشت، اینطور نیست؟

اما اگر فعل کمکی باشند یعنی بعد از آنها شکل سوم فعل بیایید از خود آنها در سوالی کوتاه استفاده میکنیم.

He hasn't done his homework yet, has he?

او هنوز تکالیفش را انجام نداده است، درست است؟

The students have finished their books before, haven't they?

دانش آموزان قبلاً کتاب هایشان را تمام کرده اند، اینطور نیست؟

When I arrived, he had gone home, hadn't he?

وقتی رسیدم او به خانه رفته بود، اینطور نیست؟

**جمله مرکب یا Compound Sentence :** به دو جمله مستقل اشاره دارد که هر کدام فاعل و فعل مستقل خود را دارند.

The man opened the door; something strange distracted his attention.

آن مرد در را باز کرد؛ چیز عجیبی توجهش را منحرف ساخت.

وقتی به شیوه‌ای صحیح دو جمله ساده و کاملاً مستقل از هم را به یکدیگر متصل کنیم، جمله مرکب پدید می‌آید. این اتصال از دو راه ممکن است.

**راه اول:** با استفاده از یک نقطه ویرگول یا این نماد ( ; )

**راه دوم:** با یک ویرگول و یک حرف ربط مناسب مثل and یا for یا nor یا but یا or یا yet یا so که به اختصار fanboys خوانده می‌شوند.

The man opened the door, but suddenly something distracted his attention.

آن مرد در را باز کرد، اما ناگهان چیزی توجهش را منحرف کرد.

هر کدام از حروف ربط فوق برای بیان منظوری خاص به کار می‌روند که تنها از راه دانستن معنی جمله پایه و جمله پیرو می‌توان به رابطه بین آنها پی برد و از حرف ربط مربوط به آن استفاده کرد.

**مثلاً حرف ربط and** برای بیان افزودن اطلاعاتی جدید به جمله پایه به کار می‌رود.

The teacher opened the door, and he started to walk towards his desk.

معلم در را باز کرد و به سمت میزش رفت.

**حرف ربط but** برای بیان تضاد جمله جدید با جمله پایه به کار می‌رود.

The teacher opened the door, but the students did not notice that.

معلم در را باز کرد، اما دانش آموزان متوجه این موضوع نشدند.

**حرف ربط or** برای بیان انتخاب از بین گزینه‌ها به کار می‌رود.

You should pass your exams, or you should wait for a punishment from your family.

باید امتحانات را پاس کنی یا باید منتظر تنبیه خانواده ات باشی.

و حرف ربط so نیز برای بیان نتیجه گیری از جمله اول به کار می رود.

We took a taxi to the stadium, so we could reach there on time.

با تاکسی به استادیوم رفتیم تا بتوانیم به موقع به آنجا برسیم.

نکته کنکور: برای ساختن سوالی کوتاه جملات مرکب باید از جمله دوم استفاده کنیم:

They went to the museum, but they didn't like it, did they?

آنها به موزه رفتند، اما آن را دوست نداشتند، درسته؟

مهمترین لغات درس یک دوازدهم

Sense of: احساس	appreciation: قدر دانی	lower: کاهش	boost: افزایش
Strength: قدرت	function: عملکرد	respect: احترام گذاشتن	donate: اهدا کردن
Appropriate: مناسب	physician: پزشک	dedicated: متعهد، فداکار	distinguished: مشهور
Spare no pain: از هیچ تلاشی دریغ نکردن	not surprisingly: عجیب نیست که	found: تاسیس کردن	
Terrible: خیلی بد	generously: با بخشندگی	by the way: در ضمن	regarded as: در نظر گرفته میشد به عنوان
It's a pity: چقدر حیف	shouted at: سر کسی داد زدن	hard of hearing: سخت شنو	hug: در آغوش گرفتن
Burst into tears: زیر گریه زدن	suddenly: ناگهان	repeatedly: مکررا	politely: مودبانه
Forgive: بخشیدن	calmly: به آرامی	diary: دفترچه خاطرات	keep a diary: نگه داشتن دفترچه
Kindly: با مهربانی	lovingly: با محبت	care for: مراقبت کردن	every little thing: هر چیز کوچکی
Generate: تولید کردن	generation: نسل، تولید	whereby: که از طریق آن	rather than: به جای اینکه
Provide: فراهم کردن	along with: همراه با	process: فرآیند	quantity: کمیت
Combination: ترکیب	on the other hand: از طرف دیگر	religious education: تحصیلات مذهبی	
By heart: از حفظ	ethics: اخلاقیات	countless: بی شمار	inspiration: الهام بخشی، شکوفا بخشی
authors: نویسندگان	discover: کشف کردن	solution: راه حل	by accident= accidentally: تصادفی
Ordinary people: مردم عادی	elicit: بیرون کشیدن	agreement: موافقت	
Eliciting agreement: موافقت گرفتن	signaling uncertainty: نشان دادن تردید	responsibility: مسوولیت	
Contrast: تضاد	combine: ترکیب کردن	replace: جایگزین کردن	install: نصب کردن
Heritage: میراث	sense of belonging: حس تعلق	sense of identity: حس هویت	

Sense of responsibility: حس مسئولیت پذیری      future generation: نسل آینده      morals: اخلاقیات  
 Principle: اصول      brought up with: بزرگ شدن با      willing: مشتاق      guideline: راهنمایی  
 Blessing: موهبت      peaceful: صلح طلب

سوالات تستی گرامر دوازدهم درس ۱

1. An activity ..... to show the students how smoking hurts the lungs.  
 1) planned      2) was planned      3) has planned      4) be planned
2. Can you give us a promise that the work ..... on time?  
 1) complete      2) will complete      3) was completed      4) will be completed
3. The government ..... to take action against the high level of unemployment.  
 1) expects      2) has expected      3) is expected      4) expected
4. The show ..... every weekday morning between 9.00 and 10.00.  
 1) broadcasts      2) will be broadcast      3) will broadcast      4) has broadcast
5. There is no way to predict when the project ..... since the materials ..... yet.  
 1) will finish - haven't arrived      2) will be finished - haven't arrived  
 3) will finish - haven't been arrived      4) will be finished - haven't been arrived
6. If you ..... a cheap camera, don't buy it. It's probably stolen.  
 1) are offering      2) are offered      3) will offer      4) have been offered
7. About 60 minerals ..... in the body, and 22 are necessary to health.  
 1) discovered      2) have discovered      3) are discovered      4) have been discovered
8. The pilot ..... to make an emergency landing when one of the engines ..... fire.  
 1) was forced - caught      2) forced - was caught  
 3) forced - caught      4) was forced - was caught
9. My wedding ..... on June 13th and all family and friends ..... to the party.  
 1) held - were invited      2) will be held - have invited  
 3) will held - have been invited      4) will be held - are invited
10. Since no water source ....., the existence of life on Mars now ..... uncertain.  
 1) was found - appears      2) found - appears  
 3) found - is appeared      4) was found - appeared
11. Teams from many countries ..... to take part in the previous Olympic games.  
 1) did not invite      2) have not been invited  
 3) were not invited      4) have not invited
12. You did not make a wise decision, because you ..... wrong information.  
 1) given      2) had given      3) are given      4) had been given
13. The land next to our house ..... sold to the government recently.  
 1) is      2) was      3) has been      4) had been
14. Do you know that Maria ..... as a computer programmer of the Company?  
 1) was inviting      2) is inviting      3) has been invited      4) is going to invite
15. Many apartments ..... for the poor employees during the last five years.  
 1) are built      2) were building      3) have built      4) have been built

16. I told you that it was going to rain, .....?  
 1) did I                      2) didn't I                      3) was it                      4) wasn't it
17. It's difficult to communicate with people if you don't speak their language.  
 1) is it                      2) do they                      3) do you                      4) isn't it
18. She's never satisfied with what she's got, .....?  
 1) is she                      2) isn't she                      3) has she                      4) hasn't she
19. The kids have reached the age when they can care for themselves, .....?  
 1) haven't they                      2) can't they                      3) have they                      4) can they
20. I'm still part of the team, .....?  
 1) am I                      2) aren't you                      3) am not I                      4) aren't I
21. Few people can exist without water for more than a week, .....?  
 1) do they                      2) can they                      3) don't they                      4) can't they
22. She's been unsuccessful because she doesn't try very hard, .....?  
 1) is she                      2) isn't she                      3) does she                      4) hasn't she
23. It was a great evening, ..... definitely worth all the hard work.  
 1) and                      2) but                      3) or                      4) besides
24. I've been in your situation before, ..... I think I can help you.  
 1) or                      2) but                      3) so                      4) also
25. Will you arrive at the usual time, ..... will you come later this afternoon?  
 1) and                      2) or                      3) so                      4) but
26. It's stopped snowing here, ..... the temperature is still minus three.  
 1) so                      2) but                      3) and                      4) or
27. The lecturer paused for a moment, ..... asked if there were any questions.  
 1) but                      2) and                      3) so                      4) or

### درس دوم دوازدهم جمله واره های وصفی

خلاصه ای در مورد جمله واره ها (clauses): به طور خلاصه جمله واره ها مجموعه کلماتی هستند که یکی از آنها فعل است ولی معنی کاملی را نمی رسانند و در ابتدای آنها حروف ربط قرار می گیرند. در دستور زبان انگلیسی سه نوع جمله واره وجود دارد که عبارتند از: جمله واره های قیدی (adverbial clause)، جمله واره های اسمی (noun clause) و جمله واره های صفتی یا وصفی (adjective clause) و همانطور که از اسم آنها پیداست هر کدام به ترتیب جانشین قیده‌ها، اسم ها و صفت ها در جمله ها می شوند. در این درس تنها به جمله واره های صفتی یا وصفی می پردازیم.

### جمله واره های صفتی یا وصفی Adjective clauses

به مثال زیر توجه نمایید:

The boy **who is playing the piano** has won the best prize.

پسری که دارد پیانو می نوازد جایزه نخست را برده است.

نقش جمله واره صفتی که بعد از اسم the boy آمده است و با who به آن متصل شده فقط توصیف کردن اسم است؛ این جمله در حقیقت اطلاعات بیشتری را درباره آن پسر به شنونده می دهد و آن پسر را از بین تمام پسر ها متمایز می کند.

به این نوع از جمله واره ها که یک اسم را تعریف می کنند یعنی آن را از بین بقیه متمایز می کنند جمله واره صفتی یا وصفی می گویند؛ و در ادامه بعد از این جمله واره وصفی هم، فعل اصلی جمله بکار می رود. در واقع جمله واره های وصفی نقش صفاتی را دارند که با استفاده از یک ضمیر موصولی پس از اسم می آیند.

به طور خلاصه :

جمله واره صفتی به جمله واره ای گفته می شود که بعد از یک اسم بکار می رود و با یک ضمیر موصولی (who, which, whom,...) به اسم متصل می شود و آن اسم را توصیف می کند.

حالت اول: اگر اسمی که توسط جمله واره وصفی توصیف می شود انسان باشد و نقش فاعلی داشته باشد، به شکل زیر بکار می رود.

فعل + who + اسم انسان

مانند مثال های زیر:

The driver who **was driving** carelessly **was stopped and fined** by the police.

راننده ای که با بی دقتی رانندگی می کرد توسط پلیس متوقف و جریمه شد.

در این حالت who به عنوان ضمیر موصولی کار ارتباط و برقراری بین اسم و جمله واره وصفی را بر عهده دارد و معنی آن "که" می شود.

نکته: بجای who هم می توان از that استفاده کرد.

The driver **that** was driving carelessly was stopped and fined by the police.

یا به مثال دیگه

The man who lives here is a police officer.

باز هم میبینیم که قبل از who یک اسم انسان هست و بعدش فعل یعنی lives وجود دارد. جمله واره وصفی هم این هست who lives here چرا که اسم قبل خود را توصیف میکند.

نکته کنکور: who به جای فاعل میاد پس اگه بعدش دوباره فاعل رو بیاریم جمله از لحاظ گرامری غلط هست. مثال

The man who **he** lives here is a police officer.

اینجا he نباید بیاد و غلط هست.

سوال کنکور ۹۸ هنر از همین مبحث

Each year, universities take in a lot of students.....come from Asian countries.

- a. who
- b. they
- c. that they
- d. most of them



**حالت دوم:** اگر اسمی که توصیف می شود، اسم انسان باشد و نقش مفعولی داشته باشد، کل عبارت وصفی به شکل زیر بیان می شود. در دستور رسمی برای اسم هایی که نقش مفعولی دارند فقط از **whom** استفاده می شود.

ادامه جمله + فاعل + **whom** + اسم انسان

مانند مثال زیر:

The boy whom **you saw** in the park yesterday **plays** the piano well.

پسری که تو دیروز تو پارک دیدی پیانو را بخوبی می نوازد.

در مثال بالا اسم **the boy** یا پسری توصیف شده که برای فعل **saw** جمله واره وصفی نقش مفعولی دارد. نکته مهم دیگر این است که چون اسم **the boy** در حقیقت مفعول فعل **saw** است، و در ابتدای جمله بکار رفته است پس دیگر نیازی نیست دوباره آن را چه به شکل اسم چه به شکل ضمیر بعد از فعل **saw** ذکر کرد. در واقع ضمیرهای فاعلی، مفعولی، صفات ملکی و ... بعد از ضمائر موصولی حذف می شوند. پس این جمله نادرست است چرا که **him** باید حذف شود.

The boy whom you saw him in the park yesterday plays the piano well.

**نکته اول:** در این جمله به جای **whom** می توان از **that** هم استفاده کرد. (**whom** رسمی تر است)

The boy **that** I saw in the park yesterday was Susan's brother.

پسری که من دیروز تو پارک دیدم برادر سوزان است.

**نکته دوم:** اگر ضمیر موصولی نقش مفعولی داشته باشد در جملات می توان از هیچکدام از ضمائر موصولی مفعولی **whom**, **that**, استفاده نکرد و جمله را بدون ضمیر موصولی مفعولی بیان کرد.

The boy **I saw** in the park yesterday was Susan's brother.

پسری که دیروز در پارک دیدم برادر سوزان بود.

The boy **our teacher encouraged** yesterday was the first winner.

پسری که معلم ما دیروز تشویق کرد اولین برنده بود.

**حالت سوم:** اگر اسمی که توصیف می شود، اسم غیر انسان باشد از ضمیر موصولی **which** استفاده میکنیم. **Which** میتواند هم نقش فاعلی و هم نقش مفعولی داشته باشد.

فعل/فاعل + **which** + اسم غیر انسان

This city has a museum which opens at 8 a.m. on weekdays.

این شهر دارای موزه ای است که در روزهای هفته از ساعت ۸ صبح باز می شود.

I watched an animation which you introduced last week.

من انیمیشنی را که هفته پیش معرفی کردید تماشا کردم.

**حالت چهارم:** اگر اسمی که توسط یک جمله توصیف می شود، اسم مکان باشد و برای فعل وصفی هم نقش قید مکان داشته باشد؛ در جملات به شکل زیر بکار می رود.

ادامه + فاعل + **in which/ where** + اسم مکان  
جمله

مانند مثال زیر:

The institute **where** I learn English is in Hafez Street.

موسسه ای که من در آنجا انگلیسی یاد می گیرم در خیابان حافظ است.

where هم می توان از in which هم استفاده کرد، در این حالت معنی آنها با هم یکی است.

The institute **in which** I learn English is in Hafez Street.

**حالت پنجم:** اگر اسمی که توسط یک جمله وصفی توصیف می شود در جمله وصفی معنی زمان داشته باشد، به شکل زیر بکار می رود.

ادامه جمله + **when** + اسم (زمان)

مانند جملات زیر:

The day **when** I was born was rainy.

روزی که به دنیا آمدم بارانی بود.

The year **when** my brother left Iran was a very bad year for me.

سالی که برادر من از ایران رفت سال بسیار بدی برای من بود.

I never forget the day **when** I met you.

روزی که تو را دیدم هرگز فراموش نمی کنم.

**نکته مهم:** می توان از **that** بجای همه ضمایر موصولی استفاده کرد. به شرط آنکه خود ضمایر موصولی گزینه تست نباشند.

The day **when/that** I was born was rainy.

روزی که به دنیا آمدم بارانی بود.

This is the place **where/that** my father works for.

اینجا جایی است که پدرم در آن کار می کند.

He is the teacher **whom/that** I talked about last night.

او معلمی است که دیشب در مورد او صحبت کردم.

The students **who/that** studied hard pass the final exam.

دانش آموزانی که به سختی درس خوانده اند در امتحان نهایی موفق می شوند.

The book **which/that** you introduced was very interesting.

کتابی که معرفی کردید خیلی جالب بود.

**نکته مهم:** حروف اضافه فقط می توانند قبل از ضمایر موصولی **whom, which** قرار بگیرند و قبل از بقیه ضمایر موصولی نمیتوانند بیایند. بعد از حروف اضافه برای اسم های انسان از **whom** و برای غیرانسان از **which** استفاده می کنیم.

The person **with whom** I talked the other day was very intelligent.

فردی که روز گذشته با او صحبت کردم بسیار باهوش بود.

This is the store **in which** my friend works.

این فروشگاه است که دوست من در آن کار می کند.

**حالت ششم:** اگر اسمی که توسط یک جمله توصیف می شود، مالکیت اسم دیگری را در جمله ی وصفی داشته باشد در این حالت از whose به عنوان ضمیر موصولی مالکیت استفاده می شود و معنی آن در این حالت (که .... او) می باشد.

#### اسم + whose + اسم

Mr. Ahmadi whose wife is from England is our English teacher.

آقای احمدی که همسرش اهل انگلیس است معلم زبان انگلیسی ماست.

The woman whose wallet was stolen called the police.

زنی که کیف پولش به سرقت رفته بود با پلیس تماس گرفت.

The professor whose course I am taking is excellent.

استادی که دوره اش را می خوانم عالی است.

I met the man whose wife is the president of the corporation.

با مردی آشنا شدم که همسرش رئیس شرکت است.

#### The reason + why

نکته ۱: برای جملاتی که جمله واره صفتی آنها دلیلی را بیان می کنند باید اسم reason را قبل از حرف ربط why قرار داد.

The reason why I couldn't come on time was the bus which came late.

دلیل اینکه نتوانستم به موقع بیایم اتوبوس بود که دیر آمد.

#### جمله شرطی نوع دوم (if clause) / (second type conditional)

این جملات نیز مانند جملات نوع اول هستند اما دارای تفاوت هایی در مفهوم می باشند.

فعل ساده + subject + would/could, فعل گذشته ساده + subject + If

مفهوم شرطی نوع دوم: این نوع شرطی ها برای بیان کارهایی هستند که غیر واقعی بوده و احتمال انجام کار در حد صفر است. یعنی عملاً کاری واقع نخواهند شد.

If I went there, I would tell them. اگر رفته بودم به آنها می گفتم.

نکته اول: در شرطی نوع دوم به جای فعل کمکی was از were استفاده می شود چون were از was رسمی تر است و این کار نیز غیر واقعی است.

نکته دوم: به جای would می توان از could هم استفاده کرد.

نکته سوم: می توان با حذف if از ابتدای جمله شرطی همان جمله را به شکل دیگری نیز نوشت. یعنی می توان جای فعل کمکی و فاعل را در ابتدای جمله عوض کرد. مثال:

If I were a rich man, I would buy a big house.

اگر من یک مرد ثروتمند بودم، یک خانه بزرگ می خریدم.

Were I a rich man, I would buy a big house.

اگر من یک مرد ثروتمند بودم، یک خانه بزرگ می خریدم.

نکته چهارم: در همه جمله های شرطی منفی به جای if not می توان از unless (مگر اینکه) نیز استفاده کرد.

You would fail the final exam if you didn't study hard.

اگر سخت مطالعه نکنید در امتحان نهایی مردود می شوید.

You would fail the final exam unless you studied hard.

شما در امتحان نهایی مردود می شوید مگر اینکه سخت مطالعه کنید.

مهمترین لغات درس دو دوازدهم

Look up: جست و جو در دیکشنری	compile: تالیف، جمع آوری	situation: موقعیت	recommend: پیشنهاد دادن
Monolingual: تک زبانه	bilingual: دو زبانه	suppose: فرض کردن	elementary: ابتدایی
Intermediate: مقدماتی	advanced: پیشرفته	I wonder if: میخوام بدونم که آیا	
carry: حمل کردن	consider: در نظر گرفتن	avoid: اجتناب کردن	contain: شامل شدن
Symbol=sign: سمبل، نشانه	stands for = represent: بیان کردن	figure out: فهمیدن	particular: ویژه
Arrange: نظم و ترتیب دادن	arrangement: ترتیب	introduction: مقدمه	effectively: موثر
Jump into: ناگهان کاری انجام دادن	definition: تعریف، معنی	correctly: صحیح	issue: موضوع مهم
Essential: ضروری	abbreviation: شکل اختصاری	throughout: در کل	confusing: گیج کننده
Meet the needs: برآورده کردن نیاز	guide: راهنمایی	immediately: فوراً	entry: سرواژه
Origin: ریشه	expand: بسط و گسترش	expansion: گسترش	probably: احتمالاً
Entire: تمام چیزی	claim: ادعا کردن	complicated: پیچیده، دشوار	provide: فراهم کردن
Recognizing: شناسیدن، شناختن	work out: به نتیجه رسیدن	increasingly: به طور رو به رشد	crops: محصولات
Keep to himself: گوشه گیر، تنها	endangering: به خطر انداختن	unsuccessfully: بدون موفقیت	
Unsystematically: بدون برنامه	incomprehensible: غیر قابل درک	unexpectedly: غیر قابل انتظار	
Unchangeable: غیر قابل تغییر	publish: منتشر شدن	widely: به طور گسترده	treasure: گنجینه
Although: اگرچه	wisely: عاقلانه	imaginary: تخیلی	heavily: با شدت زیاد
As far as I know: تا جایی که اطلاع دارم	neighborhood: محله	have in common: وجه اشتراک داشتن	
Surround: احاطه کردن، احاطه شدن	whereas: در حالی که	generally: به طور کلی	anthill: تپه مورچه
far away: خیلی دور	primarily: عمدتاً، اساساً	a host of = a lot of	suffer from: رنج بردن از
Directly: مستقیماً	transmit: انتقال دادن	infection: عفونت	first aids: کمک های اولیه
Invisible: نامریی	astronaut: فضانورد	be in trouble: دچار مشکل شدن	secret: راز
Be in someone's shoes: جای فرد دیگری بودن		a friend in need is a friend indeed.	

سوالات تستی دوازدهم درس ۲

1. The people ..... next door are always making a lot of noise.  
1) that they live                      2) whom we live                      3) who live                      4) who living
2. I missed the train because the taxi ..... was taking me to the railway station broke down.  
1) who                      2) which                      3) whom                      4) ----
3. The house ..... damaged in the storm last month, has now been repaired.  
1) who                      2) which                      3) that it was                      4) which was
4. I like teachers ..... a good sense of humor.  
1) who have                      2) have                      3) that they have                      4) that has
5. Unfortunately, I forgot to email the photographs ..... at the birthday party to my friends.  
1) which took                      2) which I took                      3) which was taken                      4) that I took them
6. Microchips ..... seem to be everywhere these days – even in washing machines.  
1) -----                      2) that                      3) that they                      4) which
7. The police are looking for a woman ..... disappeared on Sunday.  
1) who                      2) whom she                      3) who was                      4) which
8. I feel pity for all the children ..... in such terrible conditions.  
1) they live                      2) who they live                      3) who live                      4) who living
9. Maryam Mirza Khani was the first woman ..... won the Fields Prize for math.  
1) which                      2) that she                      3) who                      4) whom she
10. We'll have to replace all the furniture ..... damaged in the flood.  
1) that was                      2) which it was                      3) who                      4) whom
11. They'll tell you anything ..... think you want to hear.  
1) who                      2) which                      3) whom they                      4) that they
12. Ms. Fisher ..... allowed her son to go play outside since he had finished his homework.  
1) who                      2) which                      3) whom                      4) -----
13. Highlight the section .....  
1) who you want to delete                      2) which you want to delete it  
3) which you want it to delete                      4) that you want to delete
14. We are looking for someone who ..... Chinese to translate the questions and answers for our guests.  
1) he speaks                      2) speaks                      3) speaking                      4) speak
15. I went to the restaurant ..... in the newspaper.  
1) whom I read about                      2) that I read about it  
3) which I read about                      4) which I read about it
16. If drivers ..... speed limits, fewer accidents would occur.  
1) obey                      2) obeyed                      3) had obeyed                      4) have obeyed
17. I ..... ask you to come if it weren't absolutely necessary.  
1) wouldn't                      2) didn't                      3) won't                      4) don't
18. If I could speak English well, I ..... able to apply for this job.  
1) am                      2) were                      3) will be                      4) would be

19. If I ..... rich, my life ..... completely.  
1) were - would change                      2) was - changed  
3) will be - changed                      4) were -will change
20. If you want to sell your car, you ..... at the local newspaper.  
1) advertise              2) will advertise              3) should advertise              4) have advertised
21. If you ..... more attention in class, you would achieve better results.  
1) pay              2) will pay              3) paid              4) have paid
22. If it weren't raining, we ..... lunch in the garden.  
1) had              2) could have              3) will have              4) are having
23. If our parents were here, they ..... us what to do.  
1) told              2) should tell              3) have told              4) would tell
24. We are not going to buy that house, but if it ..... a little cheaper, we ..... it.  
1) is - could buy              2) was - would buy              3) will be - bought              4) were - bought
25. You can play in your bedroom if you ..... to clean it up afterwards.  
1) promise              2) promised              3) will promise              4) would promise
26. If your mother were here, I ..... sure she ..... let you eat all those chocolates.  
1) am - didn't              2) was - didn't              3) am - wouldn't              4) was - wouldn't
27. You ..... to our accountant if you think there was a mistake in your check.  
1) spoke              2) will speak              3) would speak              4) should speak
28. Beth eats a lot of junk food. If she ..... healthier food, she ..... weight.  
1) eat - will lose              2) ate - lost              3) ate - would lose              4) will eat – lost

## درس سوم

### زمان ماضی بعید (گذشته کامل)

مفهوم ماضی بعید: به عملی اشاره دارد که در گذشته قبل از عمل دیگری انجام شده باشد. به عبارت دیگر اگر دو عمل در گذشته انجام شده باشد ماضی بعید عمل گذشته دورتر می باشد.

I had seen my friend before I went to the classroom.

قبل از اینکه به کلاس بروم دوستم را دیده بودم.

در جمله بالا گوینده ابتدا دوستش را دیده است و سپس به کلاس درس رفته است.

### ساختار ماضی بعید:

اگر بعد از (فاعل) جمله فعل کمکی had را قرار دهیم و پس از آن از شکل سوم فعل (اسم مفعول فعل) استفاده کنیم، جمله ماضی بعید تشکیل می شود.

فعل گذشته ساده + subject, شکل سوم فعل + had + Subject

She had washed the dishes before she watched TV.

قبل از تماشای تلویزیون ظرف ها را شسته بود.

ماضی بعید معمولاً در الگوی جملاتی به کار می رود که دو کار اتفاق افتاده بنابراین دو فعل یعنی دو جمله وجود دارد. این دوجمله غالباً با استفاده از حروف ربطی مانند: before, when, after, because,... به هم مرتبط می شوند. به مثال ها دقت کنید:

She **got** good marks because she **had practiced** hard.

او به دلیل تمرین سخت نمرات خوبی گرفت.

He **went** to school after he **had eaten** his breakfast.

بعد از اینکه صبحانه اش را خورد به مدرسه رفت.

I **had done** my homework before I **watched** the film.

قبل از دیدن فیلم تکالیفم را انجام داده بودم.

بذیهی است جمله ای که با جملهی ماضی بعید همپایه می شود باید گذشته ساده باشد.

ماضی بعید +	after / because +	گذشته ساده
گذشته ساده +	when / before +	ماضی بعید

نکته مهم اینست که می توان جای دو جمله را عوض کرد و حروف ربط را نیز می توان به ابتدای جمله ها به کار برد.

Before he went to the birthday party, he had bought a present.

قبل از اینکه به جشن تولد بروم، یک هدیه خریده بودم.

She washed the clothes after all the guests had gone home.

بعد از اینکه همه مهمان ها به خانه رفتند لباس ها را شست.

چون این نوع جمله ها دارای فعل کمکی می باشند برای سوالی و منفی کردن آنها از همان had استفاده می شود.

Had he written the letter before you saw him?

آیا قبل از اینکه شما او را ببینید نامه را نوشته بود؟

No, He hadn't written the letter before I saw him.

نه، قبل از اینکه من او را ببینم نامه را ننوشته بودم.

## مجهول افعال ناقص (Modals)

### Can/could

برای بیان توانایی و امکان انجام کاری استفاده می شود.

The mechanic can repair that old car. جمله معلوم

مکانیک می تواند آن ماشین قدیمی را تعمیر کند

### Object + can+ be+ p.p ساختار مجهول

That old car can be repaired.

آن ماشین قدیمی قابل تعمیر است.

The students can answer all the questions.

دانش آموزان می توانند به تمام سوالات پاسخ دهند.

All the questions can be answered by the students.

تمامی سوالات توسط دانش آموزان قابل پاسخگویی است.

### May/might

از این دو کلمه استفاده می کنیم تا احتمال انجام کاری را در زمان حال یا آینده بیان کنیم.

They may visit the national museum tomorrow. جمله معلوم

آنها ممکن است فردا از موزه ملی دیدن کنند.

### object + (may, might) + be+ p.p ساختار مجهول

The national museum may/might be visited tomorrow.

موزه ملی ممکن است فردا مورد بازدید قرار گیرد.

### Should

برای بیان توصیه و پیشنهاد انجام کاری به کار میرود.

The principal should call the parents. جمله معلوم

مدیر مدرسه باید با والدین تماس بگیرد

### Object + should + be + p.p ساختار مجهول:

The parents should be called.

والدین باید خواسته شوند.

We shouldn't eat junk food.

ما نباید غذاهای ناسالم بخوریم .

Junk food shouldn't be eaten..

غذاهای ناسالم نباید خورده شود.



## Must

برای بیان اجبار و الزام کاری استفاده میشود.

The students must pass the final exam. جمله معلوم

دانش آموزان باید امتحانات نهایی را پاس کنند.

## Object + must+ be + p.p ساختار مجهول:

The final exams must be passed by the students.

امتحانات نهایی باید توسط دانش آموزان پاس شوند.

## Have to/ has to/ had to

I have to solve that math question.

من باید آن سوال ریاضی را حل کنم.

## Object + have to / has to/had to+ be+ p.p ساختار مجهول:

That math question has to be solved.

اون سوال ریاضی باید حل بشه.

The students have to pass all the exams.

دانش آموزان باید تمام امتحانات را پشت سر بگذارند.

All the exams have to be passed by the students.

تمام امتحانات باید توسط دانش آموزان پاس شوند.

## مهمترین لغات درس سه دوازدهم

تجدید پذیر: Renewable:	سوخت فسیلی: fossil fuels:	انرژی خورشیدی: solar power:	تبدیل کردن: convert:
در نتیجه: As a result of:	انرژی آب: hydropower:	ارزش داشتن: cost:	تولید کردن: generate:
متضاد، مخالف: Opposite:	یادآوری کردن: remind:	منابع: resource:	مصرف کردن: consume:
تنوع: Variety:	تنوعی از: a variety of:	جزر و مد: tide:	جایگزین کردن: replace:
تمام کردن: Use up:	تقاضا: demand:	عرضه و تقاضا: supply and demand:	
جذب کردن: Absorb:	به تدریج: gradually:	شیمیایی: chemical:	هسته ای: nuclear:
محیط زیست: Environment:	کاهش: reduce:	تابش خورشید: radiation:	یادداشت برداری: take note:
کاربردی: Practical:	احتمال: likelihood:	معادل: equivalent:	به دست آوردن: achieve:

God helps those who help themselves: از تو حرکت از خدا برکت	goal: هدف		
The early worm catches the worm. سحر خیز باش تا کامروا باشی	cooperate: همکاری کردن		
Birds of feather flock together: کبوتر با کبوتر باز با باز	come up with: ایده ای به ذهن رسیدن		
Actions speak louder than words: به عمل کار براید به سخندانی نیست	work out: به نتیجه رسیدن		
Practice makes perfect: کار نیکو کردن از پر کردن است	dread: ترسیدن		
Don't count your chicken before they hatch: جوجه رو آخر پاییز میشمارند	cloth: پارچه		
Out of sight, out of mind: از دل برود هر آنکه از دیده رود	waste: زباله		
Cut your coat according to your cloth: پاتو به اندازه گلیمت دراز کن	landfill: محل دفن زباله		
A burnt child dreads fire: مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید هم میترسه	delivery: تحویل		
Kill two birds with one stone: با یه تیر دو نشون زدن	voluntary: داوطلبانه		
Don't look a gift horse in the mouth: دندان اسب پیشکشی رئ نمیشمارن	give off: رها کردن		
warn: هشدار دادن	obey: اطاعت و پیروی	principal: رییس مدرسه	global warming: گرمای جهانی
Structure: ساختار	apply for a job: درخواست کار دادن	components: اجزا	namely: به معنای ، نامیدن
cross out: جدا کردن	distance: مسافت، فاصله	at the heart of: در مرکز	require: نیاز داشتن
at birth: موقع تولد	supply: فراهم کردن	organize: سازماندهی کردن	

#### کتاب کار دوازدهم

Failure: شکست	share: به اشتراک گذاشتن	deserve: شایسته بودن	unconditionally: بدون قید و شرط
Handle: کنترل کردن	lack of: فقدان	grateful: سپاسگذار	ended in: منجر شدن به
Attempt: تلاش	originally: اصالتا	colony: اجتماع	scavenger: لاشخور
Reproduce: تولید مثل	grow crops: پرورش محصول	commercial scale: مقیاس تجاری	drought: خشکسالی
Portable: قابل حمل	deal with: سر و کار داشتن با	gadget: وسیله و ابزار	overcome: غلبه کردن
Hybrid: ترکیبی، دوگانه	benefits: مزایا	fuel economy: صرفه جویی در مصرف سوخت	
Money doesn't grow on trees: پول که علف خرس نیست		easy come, easy go: باد آورده رو باد می‌بره	
There is no place like home: هیچ جا خونه نمیشه		absence makes the heart grow fonder: دوری و دوستی	

Disabilities: معلولیت، ناتوانی constantly: به طور مداوم community: جامعه local: محلی، بومی  
Alternative: جایگزین charity: خیریه

### سوالات تستی گرامر دوازدهم درس ۳

1. I rang Jill and ..... her that the conference .....  
 1) reminded - had cancelled                      2) reminded - had been cancelled  
 3) have reminded - had cancelled              4) have reminded - had been cancelled
2. She ..... so thin and weak I could hardly recognize her.  
 1) has become              2) had become              3) became              4) was becoming
3. My car may be old, but it's certainly dependable. In fact, I ..... a problem with it in over five years.  
 1) didn't have              2) wouldn't have              3) haven't had              4) hadn't had
4. When we got to the stadium we found that the game .....  
 1) had cancelled              2) had been cancelled              3) has cancelled              4) was cancelled
5. The man ..... his own life to save the child who ..... trapped in the burning house.  
 1) risked - had been              2) has risked - had been  
 3) had risked - was              4) risked - has been
6. A: "Mona ..... the manager's job."  
 B: "But she has not already had any work experience."  
 1) offers              2) had offered              3) has offered              4) has been offered
7. We soon recognized each other although we ..... for years.  
 1) didn't meet              2) haven't met              3) hadn't met              4) wouldn't meet
8. The fire finally ..... under control, but only after a lot of damage .....  
 1) got - had been caused              2) had gotten - was caused  
 3) got - has been caused              4) had gotten - had been caused
9. The judge didn't believe his explanation that he ..... the money in order to give it to charity.  
 1) had stolen              2) was stealing              3) has stolen              4) was stolen
10. You did not make a wise decision because you ..... wrong information.  
 1) given              2) had given              3) are given              4) had been given
11. When Mary saw her poor test result she was surprised; she was sure that there ..... a mistake.  
 1) to occur              2) would occur              3) has occurred              4) had occurred
12. My father returned to the lovely island where he ..... all his childhood already.  
 1) had lived              2) has lived              3) must have lived              4) was going to live
13. The situation is serious. Something ..... before it's too late.  
 1) must be done              2) could be done              3) has been done              4) had been done
14. Nothing ..... to save the lives of the drivers; both cars burst into flames on incident.  
 1) could do              2) must do              3) could be done              4) must be done

15. The book ..... twice; however, you can still find some mistakes in it.  
 1) has edited                      2) has been edited                      3) must edit                      4) must be edited
16. You can't use that car in its present condition. The engine needs fixing and the tires .....  
 1) can change                      2) can be changed                      3) must change                      4) must be changed
17. We need to examine how an accident like this ..... in the future.  
 1) might avoid                      2) must avoid                      3) can be avoided                      4) are avoided
18. Now that the problem ..... identified, appropriate action ..... taken.  
 1) has been - can be                      2) had been - may be                      3) has - can be                      4) had - may be
19. One of the door panels was badly damaged and .....  
 1) might replace                      2) has replaced                      3) must be replaced                      4) had been replaced
20. Parents ..... their children about the dangers of smoking.  
 1) are warned                      2) should warn                      3) must be warned                      4) have been warned
21. If I ..... the car coming, I ..... killed.  
 1) didn't see - might be                      2) haven't seen - might be  
 3) couldn't see - have                      4) couldn't see - have been
22. It ..... that this chemical is highly dangerous and ..... out of reach of the children.  
 1) has emphasized - can be kept                      2) has been emphasized - can keep  
 3) should emphasize - must keep                      4) should be emphasized - must be kept
23. This road is in a very bad condition. It ..... as soon as possible.  
 1) should repair                      2) can repair                      3) has been repaired                      4) must be repaired

سوالات تستی از تمام کتاب دوازدهم.

1. Young people don't realize that the ..... they make at school and university can affect them for the rest of their lives.  
 1) principles                      2) guidelines                      3) choices                      4) results
2. If you need to see something very far away clearly, you will need to use a ..... like a telescope to do so.  
 1) set                      2) tool                      3) choice                      4) doer
3. Because most parents work nowadays, grandparents are playing a more and more important role in ..... children.  
 1) facing with                      2) dedicating to                      3) going through                      4) bringing up
4. While there are similarities in the two cultures, there are also great .....  
 1) contrasts                      2) signals                      3) values                      4) results
5. Having such a supportive and loving family has been a real ..... for me.  
 1) belonging                      2) blessing                      3) dedication                      4) principle
6. The comedian hoped his jokes would ..... a great deal of laughter from the audience.  
 1) face                      2) elicit                      3) inspire                      4) bring up
7. Mount Damavand has provided ..... for many artists and poets over the decades.  
 1) responsibility                      2) guideline                      3) insight                      4) inspiration
8. She had a very happy childhood, and I guess her confidence is a(n) ..... of that.  
 1) product                      2) heritage                      3) process                      4) insight

9. Sometimes, our elders may ..... their pain from us because they don't want us to feel worried.  
1) share                      2) handle                      3) hide                      4) lack
10. The chemical ..... is made up of two different elements which is commonly known as salt.  
1) process                      2) experiment                      3) compound                      4) signal
11. My wife and I share an interest in gardening. We spend most of our free time ..... working in the garden or visiting gardens.  
1) either                      2) both                      3) for instance                      4) while
12. Generally speaking, teenagers of today have less respect for their ..... than was the case fifty years ago.  
1) elders                      2) behaviors                      3) strength                      4) generation
13. The book is essentially a(n) ..... of known facts, without intrusion of personal opinions or beliefs.  
1) introduction                      2) expansion                      3) compilation                      4) recommendation
14. Each patient is given a hospital ..... bracelet so they will not be confused with another patient.  
1) protection                      2) identification                      3) communication                      4) explanation
15. It is difficult to ..... the damage that has been caused to the tourist industry after the war.  
1) quantify                      2) magnify                      3) familiarize                      4) organize
16. There has been a(n) ..... decrease in the number of AIDS cases as a result of the public awareness movement.  
1) accidental                      2) considerable                      3) unknown                      4) indirect
17. Many people believe that the Spanish painter, Pablo Picasso, was the most ..... and influential artist of the 20th century.  
1) functional                      2) responsible                      3) advanced                      4) creative
18. As children grow older, they learn to talk formally and ..... to adults, and informally to their friends.  
1) directly                      2) respectfully                      3) systematically                      4) immediately
19. I was so surprised that I couldn't say a word; I was .....  
1) hopeless                      2) meaningless                      3) speechless                      4) noiseless
20. There's considerable ..... as to whether the government's job creation strategies will work.  
1) imagination                      2) uncertainty                      3) arrangement                      4) similarity
21. Visual aids can make lessons much more interesting and ..... to the students.  
1) changeable                      2) predictable                      3) comprehensible                      4) recommendable
22. It's our hope that we will play a(n) ..... greater role in the marketplace and, therefore, supply more jobs.  
1) increasingly                      2) generously                      3) hopefully                      4) attractively
23. The carpet was specially woven to commemorate the 100th anniversary of the university's .....  
1) expansion                      2) foundation                      3) donation                      4) appreciation
24. There are stories about his ....., the huge amounts of money he gave to charities.  
1) belongings                      2) expectations                      3) generosity                      4) originality
25. I don't believe your situation is as ..... as you think. If you love each other, you'll work it out.  
1) hopeless                      2) unfortunate                      3) meaningless                      4) incomprehensible
26. The distances in the space are so great that we have to ..... them in light years.  
1) replace                      2) measure                      3) separate                      4) compare

27. Running every morning is a great way to keep physical fitness, though eating healthy is important .....

- 1) as well      2) both      3) in this way      4) nowadays

28. As trees ..... carbon dioxide, planting them will reduce the amount of greenhouse gases in the atmosphere.

- 1) provide      2) absorb      3) convert      4) separate

29. The driver suddenly ..... his speed as soon as he saw a police car at the side of the highway.

- 1) reached      2) measured      3) reduced      4) converted

30. If you are serious about ....., you should eat less junk food and more vegetables so your body can stay in shape.

- 1) variety      2) fitness      3) process      4) achievement

31. Victor Hugo is a well-known character in literature. 'Well-known' means .....

- 1) famous      2) favorite      3) minor      4) leading

32. We had to learn a lot of ..... formulas at school, but I can only remember H<sub>2</sub>O for water.

- 1) magic      2) chemical      3) separate      4) well-known

33. High prices and poor service made the restaurant's customers disappear .....

- 1) as well      2) forever      3) gradually      4) nowadays

34. No matter how much education you have; if you don't have any ..... experience, it can be difficult to find a job.

- 1) early      2) visible      3) gradual      4) practical

35. Let's enjoy dinner and not let a tiny misunderstanding ..... our night.

- 1) lead      2) dread      3) spoil      4) harm

36. Before you begin, it is very important that you have a clear understanding of what you want to .....

- 1) achieve      2) remind      3) consume      4) replace

37. A regular rise and fall in the level of the sea, caused by the pull of the moon and sun is called the .....

- 1) rise      2) wave      3) tower      4) tide

38. She took the China vase from the shelf, took a close look at it, and then carefully ..... it.

- 1) lowered      2) replaced      3) absorbed      4) separated

39. Studies show that physical inactivity increases with age, and is more ..... among women than men.

- 1) useful      2) common      3) attractive      4) available

40. It is important to be quiet in the library, ..... when others are trying to read in peace.

- 1) naturally      2) particularly      3) mainly      4) gradually

### روش پاسخگویی به یک متن Cloze

- ۱- ابتدا جمله اول متن و در صورت نیاز جمله آخر آن را بخوانید تا موضوع کلی آن را متوجه شوید، زیرا معمولاً بین گزینه هایی که جواب هستند و موضوع کلی متن ارتباط معنایی وجود دارد.
- ۲- سوالات متن cloze یا واژگانی است یا گرامری. گزینه های مربوط به اولین جای خالی را بررسی کنید تا ببینید سوال از نوع گرامری است یا واژگانی و هر کدام را طبق روش خودش پاسخ دهید. و به همین ترتیب تا سوال آخر ادامه دهید.
- ۳- با رسیدن به جای خالی خواندنتان را قطع نکنید و تا آخر همان جمله یا بخش ادامه دهید، زیرا بخشی از اطلاعات مورد نیاز شما بعد از جای خالی می باشد.
- ۴- ارتباط معنایی بین جملات و اطلاعات متن را از دست ندهید و اگر نتوانستید به یک جای خالی پاسخ دهید آن را رها کرده و به خواندن متن و پاسخ دادن بقیه قسمت ها ادامه دهید زیرا ممکن است اطلاعاتی که در آخر متن باشد بتواند در پاسخگویی به سوال مورد نظر کمک کند و بر عکس.
- ۵- تسلط بر مهارتهای بالا نیاز به تمرین و تکرار زیاد دارد و البته قبل از آن تسلط بر مباحث گرامری و حل تستهای زیاد در ارتباط با هر بخش.

### روش پاسخگویی به متون بلند Reading Comprehension

- در اولین برخورد با یک متن ابتدا تعداد پاراگرافهای آن را فوراً مشخص و شماره گذاری کنید تا در پاسخگویی به سوالات مربوط به یک پاراگراف خاص دچار مشکل و اشتباه نشوید. از بلند بودن متن نترسید، زیرا طراح نمی تواند از همه اطلاعات موجود در متن سوال طرح کند. از روبرو شدن با کلمات جدید هراس نداشته باشید زیرا با درک مطلب به آنها نیاز پیدا نمی کنید یا از روش حدس معنی واژه از روی بافت معنایی می توانید معنی آن را حدس بزنید. به طور معمول ترتیب سوالات با ترتیب اطلاعات موجود در متن یکی است.
- ۱- ابتدا جمله اول متن و یا پاراگرافها را به سرعت می خوانیم تا موضوع آن برای ما روشن شود.
  - ۲- ابتدا اگر سوال یا سوالاتی مربوط به ضمیر و مرجع آن و همینطور هم معنی لغتی که زیر آن خط کشیده شده را بخواند به روشهایی که برای هر کدام بعداً توضیح داده خواهد شد، پاسخ دهید زیرا معمولاً وقت کمتری می گیرند و احتمال پاسخگویی صحیح به این نوع سوالات بالاست.
  - ۳- سپس صورت سایر سوالات را بخوانید و کلید واژه یا کلید واژه ها را مشخص کنید و در متن به دنبال آنها بگردید یعنی متن را به سرعت بخوانید تا به آن کلید واژه ها برسید در آنجا سرعت را کم کرده و دقت را چاشنی کار کنید و با مقایسه آنچه را که درک کرده اید و گزینه های سوال مورد نظر جواب درست را انتخاب کنید.
  - ۴- به طور کلی سوالات درک مطلب یا مربوط به موضوع کلی متن است یا جزییات موجود در متن (بیشتر از نوع دوم) که برای پاسخگویی به هر کدام به مهارتهایی نیاز است که در بخشهای بعدی توضیح داده خواهد شد.
  - ۵- آنچه در اینجا گفته شد یک طرح کلی است. تنوع سوالات در متون بلند بسیار زیاد است که برای پاسخگویی به هر کدام مهارتی خاص لازم است. مهارت و خلافت فردی دانش آموز نیز می تواند کمک کننده باشد.

**سوالات مربوط به موضوع اصلی متن (main idea):**

هر متن یک موضوع اصلی دارد که به طور معمول در جمله اول و گاهی نیز در جملات بعدی یا جمله آخر می آید و سایر جملات به توضیح و تائید موضوع اصلی می پردازد. هر پاراگراف نیز به نوبه خود دارای موضوع اصلی (main idea) می باشد. برابند موضوعات اصلی همه پاراگرافهای متن، موضوع اصلی متن خواهد بود. به طور معمول یکی از سوالات هر متن بلند به موضوع اصلی متن که درک کلی متن (skimming) را می خواهد، مربوط می شود. صورت چنین سوالاتی به شکل زیر است:

What's the main idea / subject / topic / best title / primary idea of the passage / p. X?

ایده اصلی متن، عنوان اصلی متن، بهترین عنوان برای این متن

The passage / P.X. mainly discuss / talk about / is about-----.

متن عمدتا چه چیزی را بحث میکند

Which question does the passage / P.X. try to answer?

متن به کدام یک از این سوالات پاسخ می دهد

**در پاسخگویی به چنین سوالی به نکات زیر توجه کنید:**

الف: اگر سوال مربوط به موضوع اصلی یک پاراگراف باشد چند جمله از آن را بخوانید و با بررسی گزینه ها جواب را انتخاب کنید.

ب: اگر سوال مربوط به موضوع اصلی کل متن باشد جملات اول هر پاراگراف را بخوانید و با بررسی گزینه ها جواب را انتخاب کنید.

پ: کلمات پر تکرار متن می تواند راهنمای خوبی برای انتخاب main idea باشد.

ت: گزینه انتخابی باید بتواند سایر گزینه ها را در خود جای دهد؛ یعنی کلی تر از بقیه باشد.

آنچه که شما انجام می دهید **skimming** نام دارد یعنی یک متن یا یک پاراگراف را به سرعت می خوانید تا به طور کلی بفهمید درباره چه چیزی صحبت می کند.

**سوالات مربوط به جزییات متن (scanning):** این نوع سوالات از نظر اطلاعات موجود در متن به سه دسته تقسیم می شود:

الف: سوالاتی که جواب آنها به طور مستقیم در متن آمده است؛ صورت این نوع سوالات معمولاً به شکل زیر می باشد:

According to the passage-----

بر اساس متن .....

It is stated / mentioned / suggested in the passage that-----

در متن ذکر شده است که .....

The passage indicates that-----

متن نشان داده است که .....



The author / writer mentions / says / suggests that -----

نویسنده ذکر کرده است که .....

Which of the following is true according to the passage-----

کدام یک از این موارد بر اساس متن درست است

ب: سوالاتی که جواب آنها به طور مستقیم در متن نیامده است و به صورت مفهومی یا برداشت ضمنی می باشد؛ صورت این نوع سوالات معمولاً به شکل زیر می باشد:

It can be inferred that----- میتوان نتیجه گیری کرد که.....

It is implied----- به طور ضمنی یا تلویحی اشاره شده است که....

It is most likely----- به احتمال زیاد.....

What probably----- چیزی که احتمالاً.....

We can understand from----- میتوانیم برداشت کنیم که.....

It can be understood----- میتوان برداشت کرد که.....

پ: سوالاتی که در متن اطلاعاتی درباره آن موجود نیست یا نیامده است . این نوع سوالات می توانند به خودی خود درست یا غلط باشند؛ صورت این نوع سوالات معمولاً به شکل زیر می باشد:

Which of the following is not mentioned / stated / discussed in the passage?

All of the following are true except----- همه گزینه ها درست هستند به جز.....

### مهارت های مختلف خواندن متن و روش پاسخگویی به سوالات درک مطلب (Reading Skills)

سوالات مربوط به جزییات متن می تواند انواع مختلفی داشته باشد که در زیر برخی از آنها را معرفی و روش شناسایی و پاسخگویی به هر کدام را بررسی می کنیم:

مهارت تعریف: نویسنده متن برخی از کلمات یا اصطلاحات نا آشنا را به روشهای زیر برای ما تعریف می کند:

definition (n) / define (v)

الف: با استفاده از فعل to be

ب: با استفاده از to be called یا referred to as

پ: با استفاده از علائم نشانه گذاری مثل کاما، خط تیره، پرانتز و غیره

ت: استفاده از کلمات و عبارات زیر

That is / that is to say / i.e. / it means / meaning that / in other words / -----

\*البته از روشهای بالا برای توضیح مجدد یک عبارت و یا جمله ای که درک آن برای خواننده راحت نیست نیز استفاده می شود.

**مهارت مثال زدن:** نویسنده در برخی متون با استفاده از کلمات و عبارات زیر برای درک بهتر یک مطلب مثال می آورد:

For example / e.g. / for instance / such as / like / -----

**مهارت تشخیص مرجع ضمیر:** یکی از مهارت های خواندن درک روابط میان بخش های مختلف متن از طریق شناسایی ضمیرها و مرجع آنها می باشد. در آزمون ها حرف P یعنی paragraph و حرف L یعنی line. پس P5 L3 یعنی پاراگراف ۵ خط سوم. هر تو رفتگی (indentation) یک پاراگراف محسوب می شود. در بیشتر موارد مرجع ضمیر قبل از آن می باشد و گاهی نیز می تواند بعد از آن باشد. برای پاسخگویی به سوالات مرجع ضمیر ابتدا جمله ای که ضمیر در آن به کار رفته را به دقت می خوانیم تا تشخیص دهیم ارجاع به جلو است یا عقب. سپس با توجه به مفرد یا جمع بودن واژه، انسان یا غیر انسان بودن آن و سایر نکات دستوری مرتبط، مرجع ضمیر مشخص شده را پیدا می کنیم.

### شناخت و کاربرد علامت نگارشی در درک مطلب متون:

از دیگر مهارت های خواندن متن، درک روابط میان بخش های مختلف یک جمله و جمله های متن از طریق شناسایی و کاربرد علامت های نشانه گذاری (punctuation marks) است.

(,) Comma: برای جدا کردن اجزای جمله مثل کلمات، عبارتها و ..... و جدا کردن جملات متن از یکدیگر و در مواردی برای تعریف یک واژه در متن از ویرگول استفاده می شود.

(:) colon: برای مثال زدن یا تعریف کردن یا نقل قول و یا جدا کردن دو جمله ای که از نظر معنایی ارتباط نزدیکی به هم دارند از دو نقطه استفاده می شود.

(;) semicolon: برای جدا کردن دو جمله ای که از نظر معنایی ارتباط معانی ضعیف تری دارند یعنی توضیح اضافه تری می دهد از نقطه ویرگول استفاده می شود.

(\_\_\_) dash: برای مثال زدن یا تعریف یک واژه یا یک اصطلاح و یا توضیح اضافه درباره یک مطلب نویسنده متن از dash استفاده می کند.

(-) hyphen: برای جدا کردن تاریخ ها و اعداد بویژه در زبان انگلیسی برای ساخت واژه جدید از hyphen استفاده می شود.

(( )) parentheses: برای تعریف یک واژه یا ارائه ی اطلاعات بیشتر در متن از پرانتز استفاده می شود.

مثال:

The Eskimos' way of life has changed much over the past hundred years, although many traditional customs do persist, and despite the geographical separation between different Eskimo groups, all Eskimos have preserved a similar culture. They are still mainly coastal people who journey inland in the short summers to hunt caribou and birds, and to fish. The major exceptions are some North Alaskan Eskimos and the Caribou Eskimos, who live inland all the year round. The North Alaskan Eskimos are famous for hunting the enormous bowhead whale, weighing 54 tons (60 US tons). Elsewhere on the coast, Eskimos hunt seals, walruses, and smaller whales such as the white whale. Fishing for cod is popular among the Eskimos in Greenland and Labrador.

(کنکور انسانی ۹۰)

**What is the passage mainly about?**

1. Eskimos' hunting skills
2. How old Eskimos' customs are
3. Why Eskimos live near oceans
4. Some common features among Eskimos

پاسخ: باتوجه به کلیدهای سه گانه، پاسخ این سوال را بررسی می کنیم.

نکته: با خواندن سطحی متن متوجه می شویم که متن مذکور درباره اسکیموها و فرهنگ های آنها می باشد.

نکته: سوال مطرح شده را نگاه می کنیم و متوجه می شویم که بایستی از مهارت پیدا کردن ایده اصلی متن استفاده کرد.

نکته: باتوجه به مهارت گفته شده، می بایستی جمله اول این پاراگراف را بررسی نماییم.

جمله نخست پاراگراف را مورد بررسی قرار می دهیم:

The Eskimos' way of life has changed much over the past hundred years, although many traditional customs do persist, and despite the geographical separation between different Eskimo groups, all Eskimos have preserved a similar culture.

در این جمله گفته شده است که فرهنگ اسکیموها در طول این صد سال اخیر تغییر کرده است. اگرچه همچنان به برخی از فرهنگ های سنتی شان پایبند می باشند و برخلاف جدایی های جغرافیایی که دارند اما همچنان دارای فرهنگ های مشترکی می باشند.

حال با بررسی این جمله می توانیم گزینه ها را تک تک بررسی نماییم.

گزینه شماره ۱: مهارت شکار اسکیموها.

با توجه به جمله نخست پاراگراف چنین موضوعی بررسی نشده است بنابراین این گزینه غلط می باشد.

گزینه شماره ۲: قدمت فرهنگ اسکیموها.

در جمله نخست پاراگراف هیچ توضیحی درباره قدمت فرهنگ اسکیموها و یا اینکه فرهنگ آنها به چه دورانی بر می گردد وجود ندارد و تنها اشاره ای که به سال و فرهنگ شده است این است که فرهنگ اسکیموها در صد سال اخیر تغییر کرده است. بنابراین این گزینه نیز نمی تواند پاسخ تست باشد.

گزینه شماره ۳: چرا اسکیموها نزدیکی دریا زندگی می کنند.

در جمله نخست به هیچ عنوان اشاره ای به این موضوع نشده است بنابراین این گزینه نیز صحیح نیست.

گزینه شماره ۴: برخی فرهنگ های مشترک میان اسکیموها.

گزینه صحیح می باشد زیرا در انتهای جمله اول پاراگراف به این موضوع اشاره شده است.

نکته شماره ۱: با بررسی متن می توانیم متوجه این موضوع مهم شویم که تمامی گزینه ها در متن موجود هستند اما گزینه ای درست است که در جمله نخست پاراگراف بتوان آن را یافت.

نکته شماره ۲: در صورتی که یک متن شامل چند پاراگراف بود آنگاه به منظور پاسخگویی به آن دست از سوالات می بایستی جمله ابتدایی هر پاراگراف را خوانده و به موضوع اصلی متن پی برد.